

تک شماره ۱۰ ریال ارگان مرکزی سازمان انقلابی

درسهای ۱۷ شهریور

شنبه ۱۷ شهریور، اولین سالگرد جمعی خونین است.

جمعه گر چه سراسر خون بود و بیش از ۵ هزار نفر شهید داد، اما یک دستاورد بزرگ انقلاب ما بود که بر پایه‌ی آن، جنبش وسیعتر، متحدتر و مصمم تر ادامه یافت و با قیام مسلحانه بهمن ماه به پیروزی بزرگ سراسری رسید.

جمعه خونین روز کشتار بزرگ رژیم و آغاز حکومت نظامی برای جلوگیری از راهپیمایی بزرگ انقلاب بود. راه پیمایی که یک سال قبل از تظاهرات وسیع زحمتکشان خارج از محدوده در تابستان ۵۶ آغاز شده بود و در عرض یک سال به طور مداوم در سراسر ایران ادامه یافت.

در آغاز شهریور ماه ۵۷، جنبش توده‌های خلق پس از یک سال نبردهای پراکنده، که گاهی متمرکز شده و به صورت قیامهایی چون قیام زمستان ۵۶ در تبریز در می آمد، نیروهایش را جمع کرد و در راه پیمایی های بزرگ عید فطر و روزهای پس از آن، قدرت عظیمش را به خیابان ها آورد و به نمایش گذارد.

راه پیماییهای میلیونی اواسط شهریور

اعتماد رژیم به خود و حاکمیتش را از پایه لرزانید و او را در وحشتی عمیق فرو برد. جمعی خونین در واقع عکس العمل ارتجاع وابسته به این نمایش قدرت و برای در هم شکستن آن و جلوگیری از ادامه‌ی انقلاب به وسیله کشتار جمعی و اراغاب بود.

پس از کشتار جمعی خونین، جنبش در موقعیت حساسی قرار گرفت، آیا می توانست علیرغم کشتار جمعی پراه خود ادامه دهد یا عقب نشینی خواهد کرد؟

پاسخ، ادامه‌ی راه و نهراسیدن از قربانی و مرگ بود. پاسخی که نمایانگر قدرت و تصمیم و اراده‌ای بود که خلق برای نابودی رژیم داشت و این جنبش آن را با استحکام و ادامه‌ی خود نشان می داد.

ادامه یافتن جنبش به صورتی وسیعتر و نیرومندتر پس از کشتار جمعی ۱۷ شهریور، برای پیشروان جنبش این حقیقت را برجسته ساخت که این انقلاب ریشه‌های عمیق داشته و بس نیرومند است و مصمم است که رژیم شاه را نابود کند.

رهبران و در راس آنها امام خمینی که این حقیقت را دریافته بودند، بر خط

بقیه در صفحه ۲

ایران و جنبش غیر متعهدها

بر سر کار آمدند. آنها که عمدتاً " سرمایه داری ملی کشورهای خود را نمایندگی میکردند از یک طرف بخاطر منافع ملی خود با امپریالیسم تضاد شدید داشتند و از طرف دیگر دل خوشی از شوروی نداشتند و نمیخواستند در اردوگاه آن قرار بگیرند. بخصوص اشتباهات جنبش کمونیستی در برخورد با نیروهای ملی چه در سطح کشورهای خودی و چه در کشورهای دیگر زمینه این دوری را فراهم آورده بود.

بالتجربه آنها در جستجوی راهی بودند که با فاصله گیری از این دو، راه سومی را مستقلاً در پیش گیرند. از همین جاست که نطفه جنبش غیر متعهدها بسته شد و در ۱۹۵۵، نشست باندونگ (در اندونزی)، بقیه در صفحه ۲

کنفرانس کشورهای غیر متعهد، از روز دوشنبه ۱۲ شهریور در هاوانا، با شرکت سران و وزرای خارجه ۹۳ کشور عضو و دهها ناظر و میهمان کار خود را آغاز کرد. در جلسات مقدماتی برنامه ریزی، که از اواسط هفته قبل آغاز شد و همچنین در چند ماه گذشته، مبارزه شدیدی درون این جنبش در جریان بود. جوهر این مبارزه بر سر استقلال و یا وابستگی جنبش کشورهای غیر متعهد به این یا آن ابر قدرت بوده است. ریشه‌های تاریخی این مبارزه در کجاست؟ بعد از جنگ جهانی دوم، جنبش‌های آزادیبخش جهان سوم بر علیه استعمار، استعمار نو و امپریالیسم رشد و گسترش بیسابقه‌ای یافت و دولت‌های ملی، مانند دولت ناصر در مصر و بن بلا در الجزایر و...

«گردستان بزرگ»: نقشه امپریالیسم روسیه

سوء استفاده از احساسات ملی و قومی توسط امپریالیسم بنا شده، این بار نیز همان شگرد امپریالیستی در مورد خلق کرد توسط روسها بکار گرفته میشود.

ایجاد یک گردستان بزرگ که در زیر سلطه کامل کرملین باشد برای اهداف پلید امپریالیسم روسیه چیز بسیار خوبی است. ظاهر قضیه هم اینست که خلق کرد تحت ستم و آواره است و دارد برای رهائی خود می‌جنگد. اتفاقاً در مورد ایجاد اسرائیل هم ظاهراً بهانه امپریالیستها این بود که قوم آواره و تحت ستم یهود نجات پیدا کند. سوء استفاده از خواسته های محقانه ملیت‌های تحت ستم برای ایجاد هرج و مرج، رقابت با امپریالیست‌های دیگر و تضعیف دولت‌های ملی بمنظور نفوذ و یا حداقل گرفتن امتیاز از آنها همیشه در جدال امپریالیستها مورد استفاده بوده است.

امپریالیسم آلمان در جنگ اول و دوم جهانی از جنبش ملی خلقهای عرب بر علیه استعمارگران انگلیسی با اصطلاح "حمایت" کرد و بخشهایی از این جنبش را بزیر سلطه خود درآورد.

نمونه آخری، جنبش خلق کرد در عراق بود که از طریق رهبری ملا مصطفی بارزانی عملاً به وسیله‌ای در دست سیا - ساواک و ماساد یعنی امپریالیسم آمریکا تبدیل شد. عاقبت چنین جنبشی را هم دیدیم. آنچه که برای خلق کرد باقی ماند تعداد زیادی کشته و آوارگی و در بدری بیشتر بود.

امروزه هم شوروی با افشا شدن هر چه بیشتر چهره رقیبش آمریکا در منطقه، سعی میکند خلا را پر کند و بانقلاب "متحد خلقها"

عیان تر میشود. مدتی است که ابر قدرت روس در منطقه خاور میانه مشغول دست و پنجه نرم کردن با رقیبش آمریکا است و در این رقابت خیلی سعی کرده است که بخصوص کشورهای عربی را بزیر سلطه کامل خود درآورد اما از آنجا که با یک جنبش ناسیونالیستی نسبتاً قوی مواجه بوده هنوز نتوانسته است تا یک کشور را بطور کامل به زاندارم خود در منطقه تبدیل کند. در مقابل، ابر قدرت آمریکا اسرائیل را بعنوان پایگاه اصلی خود دارد. در این اوضاع نقشه ایجاد گردستان بزرگ، یکی از راه‌های مورد توجه شوروی برای ایجاد پایگاهی برای خود در منطقه میتواند باشد. یعنی ایجاد کشور اسرائیل مانندی برای خود در مقابل رقیبش آمریکا است. همانطور که اسرائیل صهیونیستی با

جندی پیش‌مجله لبنانی "اخبار عرب" فاش ساخت که شوروی مخفیانه نقشه‌ای برای ایجاد یک "جمهوری کردستان" متشکله از مناطق کرد نشین ایران، عراق و ترکیه را ریخته است و در همین مجله از قبول سیاستمداران عرب تحلیل شده است که در صورت ایجاد یک چنین جمهوری ترتیبی برای وحدت با کردهای شوروی (یعنی الحاق) هم داده خواهد شد. قبلاً نیز در مجله دیگر لبنانی بنام "ماگازین" در ماه فوریه اشاره شده بود که شوروی نقشه ایجاد یک "جمهوری سوسیالیستی کردستان" را که از کشورهای ایران، عراق و ترکیه جدا میشود، میریزد.

در اوضاع بحرانی این منطقه شواهدی که جای پای روسها را نشان میدهد هر روز



— آهای... این یاد تون نره !!

اعلامیه

در تاریخ پر افتخار و حماسه آفرین مبارزات مردم قهرمان ایران، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ مقام و جایگاه ارزنده و مهمی دارد. یک سال پیش در چنین روزی مردم مبارز ایران که یک هفته مبارزه میلیونی پر شوری را پشت سر داشتند با عزمی راسخ، با اراده‌ای آهنین، بی هراس از مرگ، با مشت‌های گره کرده و بازوانی پیوسته، در صفوفی متحد و یکپارچه در مقابل نیروهای تا دندان مسلح رژیم منفور و وابسته‌ی سابق، چون کوه استواری ایستادند و دژ به ظاهر محکم اما به غایت پوشالی ضحاک زمان را چنان به لرزه در آوردند که رژیم وحشت زده و به خاطر حفظ خود، به یکی از فجیع ترین جنایات دست

بقیه در صفحه ۲

بعد از پیروزی قیام بهمن ماه و بویژه در یک ماه اخیر، ما شاهد رشد و گسترش وسیع پدیده‌ای بس نادرست بنام شایعه‌سازی و شایعه پراکنی بوده‌ایم . همه بطور کلی میدانند که شایعه پراکنی و اتهام زدن نادرست بوده و در مجموع کسی آنرا تأیید نمی‌کند . اما این موضع گیری تنها کافی نیست بلکه باید علل ایجاد محیط شایعه پراکنی را یافت و راههای مبارزه با آن را پیدا کرد .

در شرایط کنونی ، شایعه پراکنی و اتهام زنی ، بطور عمده یک شیوه مبارزه سیاسی ضد انقلابیون است . اینها که در اثر انقلاب حکومتشان سرنگون شد و دیگر آزادی ندارند که نظرات ضد انقلابی شان را علناً منتشر کنند ، دست یزاده‌ها را برای مبارزه سیاسی می‌شوند . بعلاوه از آنجا که نظرات سیاسی آنها ضد ملی و ضد خلقی است آنها نمیتوانند این نظرات را رک و راست مطرح کنند و از اینرو روش شایعه پراکنی ، تهمت زدن به طرف مقابل - یعنی انقلاب - را در پیش میگیرند .

هدف ضد انقلابیون از این کار روشن است . ایجاد بی اعتمادی میان مردم نسبت به دولت و ارگانهای انقلاب ، تفرقه اندازی میان خلق ، ایجاد روحیه یاس که همه آنها در خدمت تضعیف انقلاب و جلوگیری از پیشرفت سالم آن و ایجاد زمینه برای بازگشت ضد انقلابیون به قدرت است .

از ضد انقلابیون جز این کار توقعی نمیتوان داشت ، اما صحبت اینجاست که متأسفانه برخی از نیروهای ملی و خلقی نیز برای پیشبرد مبارزه شان دست به شایعه پراکنی

و اتهام می‌زنند . آنها بجای مبارزه سیاسی با طرف مقابل روش مبارزه شخصی را در پیش میگیرند و بدین وسیله هیچ کمکی نمی‌کنند که سطح آگاهی سیاسی مردم بالا رود بلکه در بهترین حالت خود ، مردم می‌فهمند که فلان کس آدم نابابی است و بس و در مورد دیگر ، خود مردم معیار سیاسی بدست نمی‌آورند که خودشان قضاوت کنند و در مقابل ضد انقلاب مصونیت پیدا نمایند .

در این میان کمبودهای وسائل ارتباط جمعی ، بویژه آنها که شفاهی هستند - مثل رادیو و تلویزیون - و لذا عده بیشتری را تحت تأثیر خود دارند و بطور غیر مستقیم به ایجاد محیط مناسب کمک می‌کنند .

این وسایل ارتباط جمعی تمام اخبار را در اختیار مردم قرار نمیدهند و مردم هم این را احساس می‌کنند و لذا یک احساس تشنگی و جستجوی اخبار بوجود می‌آید که در این میان ضد انقلاب با سوء استفاده از این خواست مردم بمیدان می‌آید و شایعات ضد انقلابی خود را بعنوان " حقایق " بخورد مردم میدهد .

نگذاشتن تمام اخبار و اطلاعات بطور صحیح در اختیار مردم از طرف این وسائل ارتباط جمعی از طرف دیگر موجب رشد بی اعتمادی میان مردم در مقابل این دستگاهها می‌شود و ضد انقلاب می‌تواند از این امر هم سوء استفاده کرده و برای کالای خویش (شایعه) بازاری بیابد .

از اینرو ما معتقدیم که برای مبارزه با شایعه پراکنی ضد انقلاب - که در شرایط حساس کنونی میتواند بخطر بزرگی تبدیل بقیه در صفحه ۵

(از "انقلاب اسلامی" ۸ شهریور)

آیت الله طالقانی - علیه بیگانه پرستان

خطبه‌های نماز جمعه هفته پیش که از طرف حضرت آیت الله طالقانی ایراد شدند ، حاوی نکات مهمی بود . به ویژه خطبه دوم که در آن آقای طالقانی به مسئله اخلاص در انقلاب در کردستان اشاره کرده و رهبران فرصت طلب و ضد ملی چون قاسملو را افشاء کردند .

آقای طالقانی در مورد آدمهایی چون قاسملو که در زمان طاغوت عوض مبارزه در ایران ، در کشورهایی چون چکسلواکی مهمان امپریالیستهای روسی بودند و آب خنک می‌خوردند ، گفتند :

" اینها صدایشان از خودشان نیست . کسانی بوده‌اند که رفتند زیر لاک خودشان پنهان شدند . این مردم مسلمان خون دادند . حالا ساکت ها به صدا در آمده‌اند ، تسلیم شده‌ها انقلابی شده‌اند و وابسته‌ها دوباره آمده‌اند روی کار ، اینها کجا بودند و چه می‌کردند ؟ " بقیه در صفحه ۷

خاطره چهار شهید گرامی باد

هفته گذشته ، مجاهد حمید توافعی ، عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که به همراه شهدا حمید شیری ، ناصر ترکان و شهریار ملک کندی برای بررسی وضع کردستان و شرکت در جهاد سازندگی به آنجا عزیمت کرده بودند ، به دست عوامل ضد انقلاب شهید شدند .

حمید و سه شهید دیگر به خاطر آرمانشان ، در راه پیشبرد انقلاب شهید شدند و بدین خاطر یادشان گرامی و نامشان زنده خواهد ماند .

ما شهادت این مجاهدین را به خانواده‌های آنان ، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ، جنبش اسلام مبارز و همه هم میهنان تسلیت و تبریک می‌گوئیم .

باشد که شهادت آنها اراده‌ی خلقهای میهن را برای ادامه انقلاب و سرکوب تمام عوامل ضد انقلابی وابسته به ابر قدرت‌ها استوارتر کند .

چریکهای فدائی و ضد انقلاب در کردستان

در هفته‌ای که گذشت دو بیانیه درباره حوادث اخیر کردستان ، یکی از طرف حزب توده و دیگری از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق صادر شد .

این دو بیانیه در نکات اصلی مشابه یکدیگر بودند . هر دو بیانیه خواستار قطع سرکوب ضد انقلاب ، گفتگو و مصالحه با رهبران خائن حزب دموکرات برای بااصلاح پایان دادن به " زد و خورد ها " و " اعلام آتش بس " در منطقه کردستان شدند .

جای تعجب نیست که سازمان چریکهای فدائی خلق و حزب توده در باب مسئله کردستان هم عقیده می‌شوند . چرا که درست در هنگام تشدید تضادها و هنگامی که صف بندیها دقیق و دقیق تر می‌شوند ، ماهیت واقعی نیروهای سیاسی نیز روشن تر می‌گردد .

کارگزاران امپریالیسم روس (دار و دسته کیانوری) با مدافعتین امپریالیسم روس

هیأت اعزامی و مسئله زمین در ترکمن صحرا

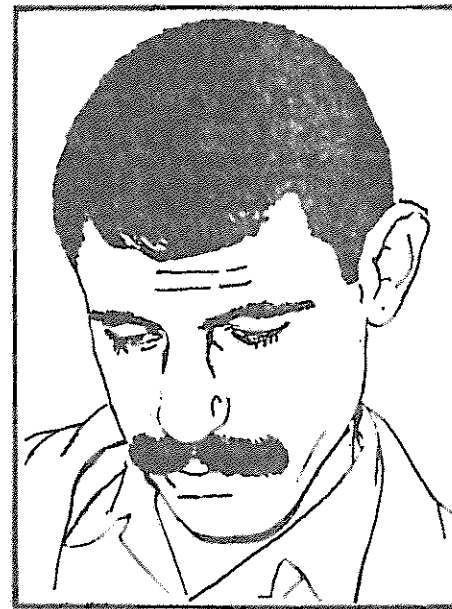
اعلام سیاست دولت مبنی بر سلب مالکیت از افرادی که با توسل به دربار ، اداره املاک سلطنتی و ارگانهای اجرائی رژیم شاه زمینهای دهقانان را در منطقه ترکمن صحرا غصب کرده بودند ، بیانگر یک تحول مثبت در سیاست ارضی دولت در این منطقه است . اینک پس از ماهها تاخیر و تعلل دولت با اتخاذ یک موضع صریح و روشن ، قدمی در جهت حل مشکلات و تضادهای موجود در ترکمن صحرا بر میدارد اقدامی است مثبت که ضرورت آن از مدتها قبل احساس میشد . در عین حال این امر به تنهایی بهیچ وجه کافی نبوده ، باید گامهای بعدی را بدنبال داشته باشد .

نامشخص بودن سمت گیری مقامات مسئول دولتی در گذشته در رابطه با درگیری های موجود بین دهقانان و مالکین غاصب و حتی جانبداری ضمنی در پاره ای موارد از مالکین ، موجب گشته است که بطور کلی در بین خلق ترکمن بدبینی و ناراضی

نسبت بدولت و انقلاب حاکم شود . این بدبینی و عدم اعتماد نسبت به دولت تاکنون برای بهره برداری عناصر ضد انقلاب و هم چنین چپ نماهایی که با سوء استفاده از خواسته‌های بحق زحمت کشان ترکمن ، بهر قیمت خواهان کشاندن مردم به مبارزه بر علیه دولت هستند ، مساعدترین زمینه را ایجاد کرده و در صورت ادامه وضع در آینده نیز میتواند بعنوان اهرمی علیه دولت و انقلاب مورد سوء استفاده قرار گیرد .

درگیری و کشمکش بر سر زمین از گذشته در ترکمن صحرا موجود بوده و پدیده‌ای نیست که به تازگی از آسمان نازل شده باشد . آنچه بعد از انقلاب تغییر کرده متلاشی شدن دستگاههای پشتیبان مالکین غاصب و ایجاد جرعه‌های امید به پیروزی در دل دهقانان زحمت کش است که سالیان دراز تحت سرکوب و ستم مالکین بزرگ ارضی و سیستم حامی آنان قرار داشته‌اند . با توجه بقیه در صفحه ۵

امروزه هم شوروی با افشا شدن هر چه بیشتر چهره رقبیش آمریکا در منطقه ، سعی میکند خلا را پر کند و با نقاب " متحد خلقها " بقیه در صفحه ۴



بیاد صمد

او معلم یک نسل بود

نسلی که پیش از یک انقلاب شد

انقلابی که پیروز شد

پیروزی که انتهای راه نیست

راهی که آخرش سرخ است

و پیمودنش زندگی ماست .

درسهای ۱۷ شهریور

مشی آشتی ناپذیری با رژیم شاه و ادامه ی مبارزه تا به آخر پافشاری کردند. و آنها که از مردم دور بودند و بدین خاطر تصمیم قاطع خلق را برای نابودی رژیم حاکم نمی دانستند، اعتماد چندانی هم به مردم نداشتند و هنوز در پس راه حل های میانبر و آشتی پذیر بودند.

بنابراین، جمعی خونین به جای آنکه انقلاب را به عقب برانند، موجب تشدید حرکت آن شد و اثرات مهمی در رشد بعدی انقلاب گذارد.

افراد میانی و متزلزل، به جنبش جلب شدند و بالاخره تضادها و اختلافات میان طبقات حاکم و میان امپریالیستها هم بیشتر و شدیدتر شد.

از این روست که می گوئیم جمعی خونین ۱۷ شهریور یک پیروزی بزرگ برای خلق بود.

خلق از این پیروزی درس گرفت. و مهمتر از آن، آموخته ها را در صحنه ی عمل انقلابی خود بکار بست.

میلیونها نفر از مردم شرکت کننده در انقلاب درس گرفتند که منطق مرتجعین در تحلیل نهایی، سرکوب خونین است و نه "آشتی ملی" و از این رو تنها راه پیروزی بر آنان داشتن منطق مقاومت خونین و ادامه راه و نه راسیدن از قربانی و مرگ است.

میلیونها نفر درس گرفتند که ارتجاع در حال فرو پاشی، در لحظات آخر زندگی خویش دست به گشتار وسیع می زند و ممکن است بسیار نیرومند به نظر آید، اما در واقع ببر کاغذی است و باید به نیروی لایزال خلق ایمان داشت و به وسیله ارتجاع مرعوب نشد. در این میان، پیشروان توده ها نیز درسهایی گرفتند:

— آنها آموختند که باید همیشه و در هر مقطع زمانی از انقلاب، حمله را بروی دشمن عمده انقلاب متمرکز داد و آتش حمله

ایران و جنبش...

مقدمه آن گشت.

در این نشست که نمایندگان ۲۹ کشور در آن شرکت داشتند، اصول پنجگانه جنبش که در سال قبل از آن توسط رفیق چوئن لای مطرح و در بیانیه نخست وزیران چین، هند و برمه به تصویب رسیده بود، پذیرفته شد. این اصول عبارتند از: ۱- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ۲- عدم تجاوز ۳- عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر ۴- برابری و سود متقابل ۵- همزیستی مسالمت آمیز.

اولین کنفرانس جنبش غیرمتعهدها در سال ۱۹۶۱ با شرکت ۲۵ کشور در بلگراد (یوگسلاوی) برگزار شد و تا به امروز که ششمین کنفرانس آن در جریان است بطور متسلسل، هر نشست ۱۴ کشور، به عضویت

را پخش نکرد.

انقلاب نشان داد که خط مشی امام خمینی در مورد تمرکز حمله بر روی سرنگونی رژیم وابسته شاه و ایجاد وحدت بزرگ خلق برای انجام این هدف خط مشی صحیحی بود.

— آنها آموختند که تنها راه نابودی دشمن، بسیج توده ها و ایجاد جنبش های توده های میلیونی علیه دشمن عمده است، راه عملیات مسلحانه افراد قلیل جانناز راه های مسالمت آمیز و پارلمانی، هیچ کدام نمی توانند دشمن را نابود کنند.

— بالاخره آموختند که برای کسب

پیروزی واقعی، باید تنها به نیروی لایزال مردم خود تکیه کرد و نه به این یا آن ابر قدرت. مردم ما در انقلاب خود نشان دادند که بر خلاف افکار و تبلیغات امپریالیستهای غرب و شرق، ملتی می تواند با تکیه به خود و مستقلا، رژیم و دستگاهی عظیم به ظاهر نیرومند را نابود کند و به کمک خارجی تکیه ننماید.

این آموزشها دارای اهمیت بزرگ و تاریخی برای مردم و انقلابهای کلیه کشورها، به ویژه ملل ستمدیده ی جهان سوم است و انقلاب ایران گنجینه های سرشار از آموزشهای صحیح انقلابی برای این خلقهاست.

در اولین سالگرد جمعی خونین ۱۷ شهریور ۵۷، دلمان برای هزاران شهید عزیز می تپد و چشم هایمان به یاد آنان از اشک پر می شوند، اما سر بلندیم که راهشان را پیروزمندان ادامه دادیم و سر بلندیم که ایرانی مستقل را بنا می نهیم.

درود بی پایان به شهدای جمعی خونین.

در راهی که با خون شهدا گلگون شده پرچم

انقلاب را تا به آخر بر افرازم

و پیروزی های بیشتری برای ایران عزیز بدست آوریم.

دیپلماسی در ایران مخفی است ابراز کرد که سیاست عدم تعهد نادرست است، زیرا در جهان کنونی دو جبهه امپریالیسم و ضد امپریالیسم وجود دارد. او گفت ایران باید در جبهه ضد امپریالیسم که گویا همان جبهه سوسیال امپریالیسم است قرار گیرد. او گفت که بی طرفی نسبت به این صف بندی یعنی شوروی در مقابل آمریکا، نادرست است و بطور ضمنی اشاره کرد که باید طرفدار شوروی بود. در صورتیکه موضع انقلاب ما عدم وابستگی، استقلال و مبارزه با ابر قدرتها بوده است. بنظر ما هیئت نمایندگی ایران در این کنفرانس، بویژه از آنجا که نماینده انقلابی مستقل و ضد دو ابر قدرت است، وظایفی بس بزرگ بعهده دارد که اهم آنها عبارتند از:

۱- تشریح حقانیت و صحت سیاست

مصاحبه با رضای توئی

کارگزاران شوروی در لباس سران حزب دموکرات کردستان برهبری قاسملو ظاهر شدند که البته نباید عمال شوروی را تنها به رهبران این حزب در ایران خلاصه کنیم.

س- حزب دموکرات چگونه عمل می کند و چگونه از نیروهای "چپ" روستفاده می کند؟ ج- زمانیکه قاسملو پس از انقلاب به ایران آمد و فعالیت وسیع حزب دمکرات را شروع کرد، این حزب در میان مردم کرد منفور بود و به حزب فئودالها و وابسته به خارج معروف بود. در عین حال نیروی چندان زیادی هم نداشت.

امروز وقتیکه به سیر حوادث نگاه می کنیم، می بینیم که رهبران حزب دموکرات با یک برنامه حساب شده بضرر دولت، خلق کرد و حتی نیروهای چپ رو، برای خود اعتبار و نیرو کسب کرده اند. مثلا "حزب دموکرات با تحریکات حساب شده ای (که لازم است دقیقا" برای مردم شرح داده شوند) چند زندانی میداد و آنگاه با نقشه قبلی اکثر نیروهای مخالف دولت را به حمایت از خویش میکشاند و از این طریق نیروها را درگیر با دولت میکرد و تضاد آنها را با دولت رشد میداد و در میان مردم نیز اعتبار و وجهه کسب میکرد.

به این ترتیب چندین راه پیمائی بدفاع از حزب دمکرات با شرکت کلیه مخالفین براه انداخته شد. در وقایع سنندج یادگان را اساسا "حزب دموکرات غارت کرد، این حزب حتی یک فشنگ هم از غنائم به دیگر نیروها نداد ولی افشاء گریه های سیاسی و مسئولیت وقایع سنندج کمتر از همه بپای حزب دموکرات نوشته شد.

در حوادث مریوان اساسا "حزب دموکرات بود که اوضاع را رهبری میکرد و میدانست که چکار دارد می کند، بقیه نیروهای درگیر بازنده از اوضاع بیرون آمدند.

در حوادث پایه حمله اصلی از طرف حزب دمکرات کردستان بود، در آنجا گویا عمال پالیزبان هم بوده اند، بنظر می رسد پایه طرح مشترک آنها نبوده است، بلکه از آنجا که هر دو نیرو موافق دامن زدن به اغتشاشات هستند در عمل مشترک رفتار می کنند. بهر حال در حوادث پایه هم "چپ" روها اکثرا" بدفاع از حزب دموکرات کردستان کشیده و اغفال شدند و بنوعی همه حتی علیرغم میل باطنی برخی از افراد صادق آنان، بزیر پرچم حزب دمکرات رفتند و با آن متحد شدند.

حوادث پایه اوج جریانات بود که اساسا" به ابتکار حزب دمکرات بوجود آمد. در کردستان شایع کردند که دولت برای سرکوب خلق کرد ارتش می آورد. اگر چه دولت بموقع این شایعه را تکذیب کرد ولی در فضای نگران کننده کردستان تا تاثیر خود را گذاشته بود.

ابر قدرت شوروی بلکه بعنوان نماینده خلق کرد به مردم معرفی می نماید و تضاد مردم را نسبت به دولت دامن میزند.

در حوادث مریوان، خواست کمیته جوتیاران و شورای مریوان این بود که ارتش وارد شهر نشود. حزب دمکرات در تمام این مدت فعالانه کار میکرد ولی ظاهر نمی شد، بطوری که در ظاهر معلوم نبود که مشوق اصلی "چپ" روها، حزب دمکرات است. ولی وقتی ارتش وارد شهر شد و گروههای "چپ" رو از نظر سیاسی شکست خوردند و صحنه را باختند، حزب دمکرات که در آنجا بود و مخفی فعالیت می کرد و درگیر اوضاع هم بظاهر نشده بود، توانست نیروهای خود را حفظ کرده و در میان مردم کار کند. بدین ترتیب حزب دمکرات "چپ" روها را تشویق به درگیری با دولت کرد، و وقتی شکست خوردند و صحنه را باختند خود از زیر بهره برداری کرد و بحساب همه آنها قدرت گرفت.

حزب دمکرات از تضادهای دهقانان با فئودالها نیز جهت قدرت گیری استفاده کرد. در برخی محلها که این اختلافات شدید شده بود و اربابان و فئودالها به دهقانان ستم میکردند، حزب دمکرات، دهقانان را بسیج کرد و برخی فئودالها را دستگیر و اعدام نمود. این عمل یک محیط مساعد و جو هواداری از حزب دمکرات در میان دهقانان بوجود آورد. در عین حال در میان روشنفکران نیز شعار فریبنده مبارزه ملی و طبقاتی و اعدام چند فئودال افکاری بوجود آورد که گویا حزب دمکرات کردستان یک حزب مترقی و انقلابی و خلقی است که دارد مبارزه ملی و طبقاتی را به پیش می برد.

نتیجه اینکه حزب دمکرات توانست با سوء استفاده از خواستها و مطالبات محققانه توده ها و بسا بهره برداری از جریانات و تحریکاتی که خود ایجاد می کرد و یا بدست "چپ" روها می آفرید و با بهره برداری از اشتباهات سیاسی "چپ" روها و منحرفین در برخورد به دولت و مسئله ملی، کم کم برای خود و جبهه و نیرو جمع آوری نماید.

س- آینده اوضاع کردستان را چگونه می بینید؟ ج- حزب دمکرات مصمم است مردم کرد را درگیر جنگهای تحمیلی و نابرابر کند. حزب دمکرات میخواهد مردم با دولت درگیر شوند و به جنگ داخلی دامن زنند تا از این طریق نفرت بین خلق کرد و دولت جمهوری اسلامی بوجود آید و تثبیت گردد. بنظر رهبران حزب دمکرات و شورویها خوب می دانند که در این جنگ و در این مرحله به پیروزی نخواهند رسید. اما با وجود این درگیر کردن مردم در جنگ با دولت نقشه آنان است و آنها برای مراحل بعدی به اجرای این نقشه احتیاج دارند. زیرا آنها بسیج کردها

برای جدا شدن از ایران رامیخواهند، زیرا آنها برنامه جنگهای طولانی مدت را در کردستان ایران عراق و ترکیه ریخته اند، بدین منظور باید آشتی ناپذیری و نفرت میان خلق کرد و دولت ملی بیافرینند و برای این توطئه ضدانقلابی جنگ راه مردم و خلق کرد تحمیل می کنند. افکار پلید آنان اینست که خلق کرد را به جنگ دولت بکشانند تا نفرت ها آفریده شوند، بگذار خلق کرد شکست بخورد و کشته دهد، مهم نیست تازه راه برای ورود باصلاح فرشته های نجات" روسی و دمکرات نما باز می شود و مردم پر کینه و شکست خورده زودتر بدور آنان جمع می شوند.

بنابراین باید بر طبق یک برنامه دراز مدت و حساب شده به مبارزه با رهبران حزب دمکرات پرداخت. اساس این مبارزه حساب شده دو چیز است یکی پاسخ دادن به مطالبات بر حق مردم کرد و رفع ستمی که سالها بر آن شده و کوشش در بسط بهداشت و فرهنگ و شکوفایی اقتصادی منطقه و مردم، تمایز نهادن در سرکوب ضد انقلاب در کردستان.

کلیه محاسبات دشمنان انقلاب و از جمله سران حزب دمکرات کردستان و روسها بر روی تضاد عینی قرار دارد که در کردستان وجود دارد. یعنی نارضایی خلق کرد از ستمی که به او روا شده و می شود. چنانچه دولت جمهوری اسلامی به شدیدترین وجهی حزب دمکرات را هم سرکوب کند ولی نیازهای خلق کرد را بر نیآورد، باز هم دشمن امکان دارد دوباره نیرو جمع آوری کرده و سرپا برخیزد. برنامه های توطئه آمیز رهبران حزب دمکرات باید سرکوب شود. این امر لازمی است ولی کافی نیست، سرکوب توطئه های قاسملو باید توأم باشد با برآوردن نیازهای خلق کرد تا از این طریق منبع و سر چشمه خشک شود.

مسئله تمایز نهادن در سرکوب یعنی اینکه همه را به یک چوب نزنند و تروخشک را با هم نسوزانند. بسیاری از افراد بعلت خطا و اشتباه معرفتی یا سیاسی به درگیری با دولت ملی کشانده شده اند و یا حتی به حزب دمکرات پیوسته اند، نباید به همه نیروها و عناصر به مانند حزب دمکرات برخورد کرد. و نباید به همه اعضا و هواداران این حزب بسازند قاسملو و امثالهم برخورد نمود. قاسملو و برخی دیگر از رهبران حوادث اخیر کردستان و حزب دمکرات خائنانه و آگاهانه عمل می کنند، باید آنها را در میان خلق کرد منفرد و بی ریشه ساخت. بدین منظور باید آتش حمله و برخورد را روی اینگونه رهبران خائن و وابسته به بیگانه متمرکز نمود، تا بتوان کلیه نیروها و عناصری را که قابل اصلاح اند، اصلاح نمود، و در نتیجه خائنین را سرکوب و اکثریت را متحد کرد.

رضا پرتوی جریان دستگیری خود را چنین شرح میدهد :

بر مبنای فرمان امام خمینی، سپاه پاسداران انقلاب و ارتش جمهوری اسلامی به شهر سنندج اعزام شدند. تمام ساکنان، محموله ها، مراکز خدمت و مراکز فرهنگی را...

سال ۱۹۶۱ با شدت ۲۵ شعور در بنجراد (یوگسلاوی) برگزار شد و تا به امروز که ششمین کنفرانس آن در جریان است بطور متوسط در هر نشست ۱۴ کشور به عضویت جنبش کشورهای غیر متعهد در آمده‌اند .

با تبدیل کشور سوسیالیستی شوروی به یک ابر قدرت امپریالیستی و رقابت آن با ابر قدرت آمریکا بر سر آفتاب بر جهان ، توطئه‌های تزارهای کرملین نشین بر علیه این جنبش تشدید یافت . سوسیال امپریالیستهای شوروی جهان را به دو اردوگاه با اصطلاح " سوسیالیسم " برهبری خود و اردوگاه امپریالیسم به رهبری آمریکا ، تقسیم کردند و اساساً وجود جریان سوم و مستقلی را نفی نمودند . آنها جنبش غیر متعهد را هم به دو بخش با اصطلاح مترقی (بمعنی آنهائیکه طرفدار امپریالیسم روسیه هستند ، یا علیه آن موضع ندارند) و ارتجاعی تقسیم کردند و تلاش نمودند تا بخش با اصطلاح " مترقی " را بطور کامل بزیور نفوذ و تحت تسلط خویش در آورند . این تهاجم در کنفرانس قبلی کشورهای غیر متعهد هم بوضوح بچشم میخورد . ولی این تهاجم روسها شکست خورد و کنفرانس قبلی اعلام کرد که : " جنبش غیر متعهد ، بعنوان نیروی سرشار از حیات نشان داد که فعالانه علیه امپریالیسم ، توسعه طلبی ، استعمار ، استعمار نوین ، تبعیض نژادی ، منجمله آپارتاید و صهیونیسم ، استثمار و سیاست جبر و تمام اشکال سلطه و هژمونی بیگانه مبارزه میکند . " و " هر گونه تلاش برای تخریب وحدت جنبش غیر متعهد از هر سو و بر هر اساس باشد ، محکوم است " و بدین طریق توافقیهای تزارهای کرملین نشین و نوکرانش را برای تفرقه اندازی ، تجزیه این جنبش و وابسته کردن بخشی از آن بخود را به شکست کشانید .

اما ابر قدرت شوروی از توطئه‌های خود دست برنداشت و چند سال برای کنفرانس کنونی تدارک دید . آنها با پیش انداختن کشورهای که سابقه مبارزاتی داشته ولی اکنون به اقمار و تبدیل شده‌اند مانند گویا و ویتنام ، مدتهاست که تبلیغ می نمایند ، جنبش غیر متعهد را باید در مقابل امپریالیسم آمریکا به اردوگاه با اصطلاح " سوسیالیسم " یعنی امپریالیسم روسیه بپیوندند . طبیعتاً این تبلیغات توسط دیگر نوکران ابر قدرت شوروی در کشورهای مختلف نیز صورت میگیرد . کافیست آنچه را که نماینده دارو دسته کیانوری ، چندی پیش ، در گرد همآئی وزارت امور خارجه ، که برای بحث در مورد سیاست خارجی ایران تشکیل شده بود بیاد آوریم .

وی با حمله به سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان اینکه

وظائفی بس بزرگ بعهدہ دارد که اهم آنها عبارتند از :

۱- تشریح حقانیت و صحت سیاست خارجی مستقل از دوا بر قدرت کشورمان و مبارزه ای که خلق ایران بر علیه ایندو امپریالیسم جهانخوار در طی سالیان دراز بجلو برده و با پیروزی انقلاب مستقل و متکی بخود ، صحت آنرا به ثبوت رسانید .

۲- پافشاری بر روی اصل عدم تعهد و عدم وابستگی به این یا آن ابر قدرت بعنوان اصل اساسی این جنبش .

۳- کوشش برای حفظ وحدت و یکپارچگی جنبش کشورهای غیر متعهد و مبارزه با توطئه‌های دوا بر قدرت برای ایجاد تفرقه و تجزیه این جنبش .

اعلامیه ...

رد : مردم بی گناه از پیر گرفته تا جوان ، از زن و کودک در خیابانها و در درون منزلها از طریق زمین و هوا به مسلسل بسته شدند و چندین هزار نفر از بهترین فرزندان ایران به درجهی شهادت رسیدند .

اما شعارهای " دروازه تمدن با قتل عام مردم " ، " مرگ بر این سلسله پهلوی " " مرگ بر شاه " ، " مسلمان بپاخیز برادرت کشته شد " ... که از حلقوم هزاران زن و مرد مبارز در میان آتش و خون برمیخاست آخرین تلاش مذبحخانه‌ی شاه خائن را در حفظ رژیم گندیده و پلید سابق ، نقش بر آب ساخته و ناقوس مرگ رژیم را زدند .

اکنون پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران به رهبری امام خمینی که رژیم شاه را برای همیشه به گورستان تاریخ فرستاد ، ما در آستانه‌ی بر گزاری این روز بزرگ تاریخی قرار داریم . باید به درسهایی که با خون جوانان ما در جمعه سیاه بدست آمده توجه کنیم و در ادامه‌ی انقلاب از این درسها بار دیگر بیاموزیم :

۱- اولین درس مهم ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ " وحدت کلمه " و " وحدت عمل " مردم در مبارزه علیه ضد انقلاب داخلی و خارجی بود . امروز بیش از پیش ضروریست که در ادامه‌ی انقلاب ، علیه امپریالیسم به ویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی ، صفوف خلق متحد و یکپارچه باقی بماند .

۲- شرکت وسیع توده‌ها و به ویژه زحمتکشان در حرکت مردم که چون ستون استواری با دشمن مقابله کردند و جان خود را بی دریغ نثار پیروزی انقلاب نمودند . امروز نیز بدون شرکت آنها ادامه‌ی انقلاب میسر نیست .

۳- شرکت وسیع زنان مبارز و

سربو طبقه برود ، پرس می آورد . دولت بموقع این شایعه را تکذیب کرد ولی در فضای نگران کننده کردستان تأثیر خود را گذاشته بود .

در چنین اوضاعی و آتمسفری که بوجود آورده‌اند ، حمله و تحریکات پاوه شروع میشود . حملات سریع ، غیر منتظره و بسیار وحشیانه توام با کشتار و خونریزی . حزب دموکرات این حمله را حساب شده انجام داد تا عکس العمل فوری و جدی دولت و ارتش و پاسداران را در کردستان باعث گردد . آنگاه زمانیکه ارتش و پاسداران وارد کردستان شدند و دولت عکس العمل نشان داد ، حزب دموکرات شروع به بهره برداری کرد که ، ما گفته بودیم اینها برای سرکوب خلق کرد ارتش خواهند آورد و بدین طریق خود را نه بعنوان عمال

بر خاشجوی ماکه خون سرخشان را چون لاله‌های بهاری به انقلاب هدیه نمودند ، نشانهای بود از نقش بزرگ تاریخساز آنان که امروز نیز انقلاب باید هر چه بیشتر به آن توجه نماید .

۴- ضد انقلاب گر چه تا مفراستخوان پوشالی است ولی تا لبه‌ی گور هم دست از توطئه ، جنایت و سرسختی بر نمی‌دارد و باید تا نابودی کامل آن هیچگاه مبارزه را متوقف نساخت .

۵- شکست نا پذیری خلق و اینکه خلق علیرغم تحمل قربانی و شکست ، علیرغم طولانی و بفرنج بودن مبارزاتش ، چنانچه به درستی و با قاطعیت رهبری شود ، پیروزی نهائی مسلماً از آن اوست . راه انقلاب با اینکه بر اثر توطئه‌های دشمن پر پیچ و خم است اما آینده تابناک و درخشان است .

سازمان ما در سراسر کشور در راه بیمائی‌هایی که به مناسبت گرامی داشتن این روز بزرگ تاریخی بر گزار می‌شود ، با تمام نیرو شرکت خواهد کرد . ما کلیه هموطنان عزیز را به شرکت در این راه بیمائی‌ها و مراسم پر شکوه دعوت می‌کنیم .

* گرامی یاد خاطره‌ی شهیدان ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ .

* مرگ بر دوا بر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آنان ، عاملین اصلی هرج و مرج در ایران .

* مرگ بر ضد انقلابیونی که به دست و ابر قدرت در ایران توطئه می‌کنند .

* پیروز باد مبارزات خلقهای ایران به خاطر تأمین استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی .

* نه آمریکا ، نه روسیه ، ایرانی مستقل و متکی به خود .

دفتر سیاسی سازمان انقلابی
۱۳۵۸/۶/۱۲

رضا پیرتوی جریان دستگیری خود را چنین شرح میدهد :

بر مبنای فرمان امام خمینی ، سپاه پاسداران انقلاب و ارتش جمهوری اسلامی به شهر سنندج اعزام شدند . تمام سازمانهای موجود مراکز خود را بستند و رفتند . ولی من نه تنها هیچ دلیلی را برای بستن مراکز سازمان نمی‌دیدم بلکه با شوق تمام منتظر اقدامات نیروهای انتظامی و سرکوب ضد انقلاب و پشتیبانی از این حرکت تاریخی بودم . اما سپاه پاسداران به دفتر سازمان یورش بردند . همه چیز را در هم کوبیدند و ما را با شدیدترین وجه به باد کتک و فحش گرفته و دست بسته به فرودگاه سنندج بردند . آنها بین متحدین خود و دشمن ، بین نیروهایی که علیه توطئه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه و عواملشان در ایران به ویژه در کردستان ، بسیج عمومی کرده بودند و عوامل دشمن ، کوچکترین تمیزی را نگذاشتند . کسی که ما را مورد ضرب و شتم قرار داده بود ، برای توجیه اعمال نادرست خود ، گزارشی مبنی بر اینکه من در پاوه بوده‌ام به باز جو و مسئولین امر داده بود . او مرا متهم به کاری کرده است که مخالف آرمان و سیاستی است که سازمان انقلابی دارد و من بعنوان یک طرفدار قبولش دارم . در باز جوئی به این اتهام اشاره شد که من آن را توطئه‌ای علیه سازمان انقلابی و خودم دانستم . سپاه پاسداران مرا ۹ روز در زندان نگهداشتند . در این مدت مورد انواع تهدیدهای به مرگ و رفتار نا شایسته برخی از پاسداران قرار گرفتم که بهیچوجه با مبنای جمهوری اسلامی توافقی نداشت . و بالاخره بعد از اتمام باز جوئی با قید ضمانت آزاد شدم . اما هنوز یکروز از آزادی من نگذشته بود که کمیته‌ی شهر اراک با مراجعه به منزلمان ، در خواست جلب مرا نموده است .

با توجه به اینکه هیچگونه اتهامی از طرف دادستانی کل انقلاب نسبت به سازمان انقلابی وارد نگردیده و کما فی السابق سازمان ما به فعالیت علنی خود ادامه می‌دهد ، با توجه به اینکه من هیچ عملی را که علیه جمهوری اسلامی ایران و دولت موقت انجام نداده‌ام ، تعقیب خود را غیر قانونی و مغایر با ارزشها و معیارهای جمهوری اسلامی میدانم و به شدت معترضم .

سهمینار ملی ...

استاندارهای لازم .

امیدواریم این قدم‌های اولیه کوشش موفقی در جهت اجرای اهداف خود کفائی دارویی و بریدن وابستگی دارویی به خارج و رفاه توده‌های خلق باشد .

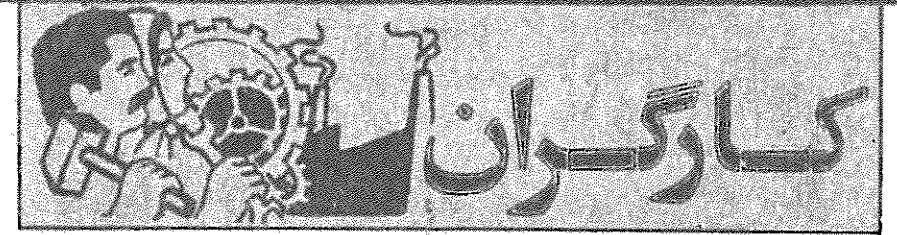
و در آخر لازم است متذکر شویم که شناخت سابقه دیرینه و غنی دارو سازی سنتی در ایران و استفاده از این دانش کهن امر مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد و برای این کار باید با افکار غرب زدگی مبارزه شده و از علم دارو سازی سنتی ایران نیز برای رسیدن به خود کفائی دارویی و خدمت به رفاه خلق استفاده گردد .

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمک مالی خوانندگان ، نقش موثری در ادامه‌ی کار ما دارد . مشکلات مالی ما زیبا دند و بدون بازی تک خوانندگان ، این مشکلات از میان برداشته نخواهند شد . هر کس که " رنجبر " را نشریه‌ی خودش سید اندو طیبه دار در حد توانی اش به آن کمک کند ، سیاست ما اتکا به نیروی لایزال مردم است و بهیچین خاطر مشکلاتمان را با شما در میان نگذا ریم و مطمئنیم که با شما و همراه شما آنها را یک بیک حل خواهیم کرد . در انتظار یاری شما هستیم .

کمکهای خود را
به حساب بانکی زیر وارز نمایند :

بانک ملی ایران
تهران - شعبه خیابان ایران شهر
شماره حساب ۴۵۳۶۸



پالایشگاه آبادان

برای استقلال ملی،

پاکسازی و رفاه

یکی از خوانندگان نوشته ی زیر را درباره ی وضع کنونی پالایشگاه نفت آبادان برایمان فرستاده که حاوی نکات مهمی است. ما نظرم را در آخر نوشته اظهار کرده ایم.

" قبل از انقلاب پالایشگاه آبادان وضع بدی داشت و روال و سیستم کار در پالایشگاه تقریباً همان سیستم انگلیسی قدیم بود که اعمال می شد و محتوای آن یک سری مقررات خشک و نظامی وار بود. رؤسا در اداره ها اختیار تام داشتند یعنی اینکه می توانستند بدون دلیل کارگرا و کارمندان زیر دست خود را تنبیه و تشویق کنند (که غالباً "تنبیه بود). رفت و آمدها دقیقاً کنترل می شد و تقریباً هیچکس بدون اجازه نمی توانست دیر یا زود بیاید و برود. کارها نسبتاً فشرده بود و در هنگام کار کسی صحبت کردن یا دوستان خود را نداشت. کسی جرئت مطالعه کردن حتی روزنامه خواندن را نداشت. سیستم جاسوسی بین کارکنان را به شدت رواج داده بودند. فشار سنگین کار بود و حقوق های نازل (بخصوص در مورد کارگران) و خلاصه دهها نمونه از این شیوه های استعماری در پالایشگاه به کار گرفته می شد.

طبیعی است که این گونه قانونها و مقررات در بین اعضای اداره ها تولید نا رضایتی می کرد و با گسترش آن بر میزان این نا رضایتها افزوده می شد که خود این به دنبالش بی تفاوتی نسبت به کار و متعاقباً کم کاری و طفره رفتن از کارها بود.

رشد این بی تفاوتی در باره های از قسمتهای پالایشگاه به صورتی رسیده بود که دستگاهها به خودی خود کار میکردند و کسی از آنها مواظبتی نمی کرد در نتیجه خیلی زود از حالت کنترل خارج می شد و خسارات سنگین مالی و جانی را باعث می گردید. برای نمونه می توان انفجار دستگاه " دیفرمر شماره ۹ " را در سال گذشته مثال زد که کارش ساختن بناب ماسه بود و در جریان آن

حاضر آن قدرت سابق را ندارند ولی به نظر می رسد که به زودی بر اوضاع مسلط شده و دوباره به همان کارهای سابق خود ادامه بدهند. جالب اینجاست که نه تنها فعالیتی در امر پاکسازی آنها صورت نگرفته بلکه با دادن اضافه حقوق های کلان به آنها، تشویقشان نیز کرده اند برای مثال می توان این عمل را در رابطه با تعدیل حقوقی که قرار بود از طرف شرکت به کارمندان داده شود نام برد که به جای اینکه برای تعدیل کردن حقوق ها یعنی از بین بردن فاصله ها - حقوقهای کارمندان جزء را زیاد بکنند مقدار قابل ملاحظه ای به حقوق کارمندان عالی رتبه اضافه شده که فاصله ها را هر چه بیشتر کرده که این خود باعث اعتراضات زیادی از طرف کارمندان دود پایه شده و حتی مقامات را تهدید به اعتصاب دسته جمعی کرده اند.

اینها به علاوه نا رضایتی های دیگر از جمله عدم رسیدگی به وضع مسکن کارکنان بخصوص کارگران و همچنین وضع ترفیع سالیانه و مسائل رفاهی از قبیل بهداشت و درمان و ... باعث افزوده شدن به این ناراضیتهای ها و بی تفاوتی ها شده. به هر صورت اوضاع اگر همین طور ادامه پیدا کند بر بحرانهای آن اضافه می گردد و ممکن است که ضایعات جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد "

ما با نظرات گزار شگرمان در مورد لزوم پاکسازی صنعت نفت و رفاه زحمتکشان کاملاً موافقیم، اما یک نکته اساسی را باید متذکر شد و آن نقش کارگران در زمینه مبارزه برای استقلال کشور است.

صنعت نفت رشته بسیار مهمی در اقتصاد کشور است و ادامه تولید آن در شرایط حساس کنونی برای تقویت انقلاب ما بسس مهم است. این ادامه تولید احتیاج به متخصصین و مدیران با تجربه دارد و ادامه

کار این افراد برای صنعت نفت ایران وعدم مهاجرت آنها به خارج به نفع انقلاب است. از این جهت ما مسأله را با شما در دستا، ت

هفته گذشته کنگره موسس کنفدراسیون کارگران ایران، در تهران گشایش یافت. اطلاعیه مطبوعاتی این کنگره و قطعنامه مصوب آن به دست ما رسیده است که آنها را در اینجا درج می کنیم و برای این تشکل کارگری آرزوی موفقیت داریم.

اطلاعیه

به دنبال بیش از ۴ ماه فعالیت دفتر هماهنگی (شوراها و سندیکا های کارگری) به منظور تشکیل کنگره هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران و تمسکات مستقیم و غیر مستقیم این دفتر و اعضاء و همکاران آن در کارخانجات تهران و شهرستانها، سر انجام این کنگره در تاریخ هشتم و نهم شهریور (پنجشنبه و جمعه) با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران و نمایندگان سندیکاها و شورا های کارگری که بیش از ۳۰ هزار کارگر را از سراسر ایران نمایندگی می کردند برگزار شد.

این کنگره توانست با موفقیت به کار خود پایان دهد و اساسنامه و منشور هیئت موسس را به اتفاق آراء به تصویب برساند. در این کنگره همچنین پنج نفر هیئت دبیران بقیه > رصفحه ۴

گامی در جهت تشکل کارگران



قطعنامه

منشور

ما کارگران شرکت کننده در اولین کنگره اتحادیه سراسری کارگران ایران در پایان موفقیت آمیز کنگره مواضع و خواسته های خود را در قطعنامه زیر به اطلاع دولت و عموم هم میهنان عزیز می رسانیم:

۱- ما کارگران ایران مراتب پشتیبانی خود را از انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی، از استقرار جمهوری اسلامی، از دولت موقت مهندس بازرگان و دادگاههای انقلاب اعلام میداریم.

۲- ما دخالتها و تجاوزات کلیه امپریالیستها بخصوص امپریالیستهای آمریکا و شوروی و صهیونیسم و عمل داخلیشان و توطئه های ارتجاع و عناصر ضد انقلاب را شدیداً محکوم میکنیم و خواهان سرکوب قاطعانه آنها میشویم.

۳- ما خواهان تضمین استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز هستیم و هر گونه اعمال توطئه گرانه و تجزیه طلبانه عناصر ضد انقلابی را شدیداً محکوم میکنیم.

۴- ما خواهان برسمیت شناختن هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران هستیم. بقیه > رصفحه ۴

انقلاب اسلامی ما به رهبری قاطعانه امام خمینی با سرنگون کردن رژیم شاه خائن و ضربه زدن به امپریالیستهای بویژه امپریالیسم آمریکا، قدم اول را در راه رسیدن به استقلال کامل از قدرتهای بیگانه برداشت و مردم توانستند بعد از سالها حکومت ترور و خفقان، دولت ملی خود را انتخاب کنند، دولتی که بتواند حافظ استقلال کشور و در نتیجه آزادی برای مردم و دارای قاطعیت انقلابی بر علیه ضد انقلابیونی که در جهت اهداف طمع کارانه ابر قدرتهای آمریکا و شوروی و صهیونیسم در کار انقلاب اخلاص می کنند، باشد.

دولتی که در اس وظایف انقلابی خود میتواند منافع زحمتکشان را تامین نماید. هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران نیز متکی به اصل مبارزه با هرگونه استعمار، استبداد و استثمار بوده و برای تحقق خواسته های خود در جهت پیشبرد امر انقلاب، مبارزات خود را با اتکا به اکثریت کارگران ایران جدا از اعتقادات مسلکی و مذهبی به پیش می برد، زیرا کارگران ایران نتیجه تلخ سالها وابستگی به امپریالیستهارا بقیه > رصفحه ۴

سیمان تگا

مبارزه های پیروزمند

در رجب ۲۲ گزارشی از مبارزه میان کارگران و کارفرمای کارخانه سیمان نکا چاپ شد. کارگران این کارخانه مدت ها است که درگیر مبارزه های سخت با طیور چی مدیر کارخانه می باشند. کارگران خواهان ادامه فعالیت کارخانه و بالا رفتن تولید هستند و از همان روزهای اول پیروزی انقلاب به دعوت امام خمینی مبنی بر از سر گرفتن فعالیت های تولیدی پاسخ مثبت داده اند. ولی کارفرما در جهت اخلاص در کار تولید سعی در ایجاد نا رضایتی در بین کارگران دارد.

کارفرما از همان آغاز، شورای کارگران را به رسمیت نشناخته و سعی در آزار و اذیت آنها داشته است. نامبرده با کمک کمیته محل اقدام به دستگیری نمایندگان کارگران کرده ولی به علت مبارزه و پایداری کارگران این نمایندگان آزاد شده اند.

کار مبارزه کارگران بارها به تحصن، راه پیمایی، مراجعه به استانداری و تماس با مقامات کشیده شده و کارگران حقانیت خود را در همه جا به اثبات رسانده اند. در اثر این مبارزه کارگران قرار شد که به خواسته های

مبنی بوسها حمله می کنند و سراغ نمایندگان کارگران را می گیرند. در این موقع بین مهاجمین و کارگران درگیری صورت می گیرد و تعدادی از کارگران مجروح می شوند. این درگیری با دخالت پاسداران خاتمه پیدا می کند. در این درگیری ۵ نفر از کارگران زخمی می شوند. کارگران به اتفاق زخمی ها با مینی بوسها که در اثر ضربات سنگو چوب آسیب دیده بودند بطرف استانداری میروند.

در استانداری، نماینده استاندار و کمیته زخمی ها و مینی بوسها را می بینند. کارگران زخمی ها را به بیمارستان می فرستند و قرار می گذارند که فردا صبح به استانداری بیایند.

در ساعت ۸ صبح فردا از ۵۷۰ نفر کارگران کارخانه ۴۷۰ نفر می آیند و بقیه به کارخانه می روند. کارگران متن تلگرافی را آماده کرده و همه امضاء می کنند و به تهران مخابره می کنند و پس از آن در محل استانداری متحصن می شوند. استاندار به کارگران میگوید که ساعت ۸ قرار است گزارش مربوطه را پاسداران بیاورند. پاسدارها ساعت ۹ می آیند و می گویند از هر گروه ۵ نفر را گرفته و با خود

کارگران و استعمار (۳)

در مقاله شماره ۲ استعمار دیدیم که چگونه برای اولین بار در جامعه، بهره کشی انسان از انسان، که همان "استعمار" باشد، بوجود آمد.

حاصل بینیم بعد از بوجود آمدن برده داری که اولین نوع بهره کشی بود چه اتفاقاتی افتاد. هر قدر وسایل و ابزار کار بهتر می شد، یا ابزار جدیدی کشف میشد، وضع برده دارها بهتر می شد و محصول بیشتری بدست می آوردند. ولی وضع برده ها فرقی نمی کرد و حتی می توان گفت بدتر هم می شد. زیرا برده دارها برده ها را مثل حیوان می پنداشتند، و اصلاً چنین تصور می کردند که برده هم مثل سایر ابزار کار است، و همانگونه که آنها صاحب ابزار کار هستند، پس صاحب برده هم هستند. آنها هیچ حقی برای برده قائل نبودند. حتی زنان بردگان به عنوان کنیز ارباب محسوب می شدند و ارباب حق داشت برای عیاشی خود از آنها استفاده کند.

برده دارها برای اینکه بتوانند از

از حالت شترن خارج می شد و خسارت سنگین مالی و جانی را باعث می گردید . برای نمونه می توان انفجار دستگاه " دیفرمر شماره ۹ " را در سال گذشته مثال زد که کارش ساختن بنزین ماشین بود و در جریان آن چند نفر کشته و یا زخمی به جای گذاشت . اما بعد از انقلاب کارکنان پالایشگاه خود را آزاد حس کردند بعضی از آنها از این آزادی در خالی کردن عقده های ناشی از خفقان قبل از انقلاب استفاده می کردند و بعضی ها هم چنین می پنداشتند که اینک دیگر این صنعت عظیم از آن آنهاست و باید خوب کار کرد و فعالانه در چرخش آن کوشا باشند . از آنجایی که متأسفانه مقامات مسئول به خوبی نتوانستند جوابگوی خواستهای آنها باشند و به طریقی تعلل و سستی را پیشه کردند این دسته را نیز مستأصل کرده و نتوانستند به خوبی از آنها بهره گیری نمایند . نتیجتاً اوضاع که آنگاه به همان روال گذشته برگشت .

از طرفی در پالایشگاه جز یکی دو مورد هنوز پاکسازی افراد نا لایق صورت نگرفته و به طور کلی همه رؤسای دوران طاغوت در مصادر امور باقی هستند گر چه در حال

متخصصین و مدیران با تجربه دارد و ادامه کار این افراد برای صنعت نفت ایران و عدم مهاجرت آنها به خارج به نفع انقلاب است . از این روی مسائل را بایستی از دید باز تر و طولانی تری مورد بررسی قرار داد . ما موافق یا کسای هستیم ولی در شرایط کنونی باید این کار را قدم به قدم انجام داد و کاری نکرد که صنعت نفت در اثر این کار بخوابد . متخصصین و مدیرانی که ساواکی بودند یا ظلم و ستم فراوان کرده اند حتماً باید پاکسازی شوند ولی حقوق زیاد نباید معیاری برای " طاغوتی " شناختن افراد باشد . منافع عالی ملی و شرایط حساس انقلابی در درجه اول است و مسائلی مانند تفاوت حقوقها در درجه دوم . ما معتقدیم باید حقوق و مزد کارمندان و کارگران افزایش یافته و کفایت زندگیشان را بکند ، اما باید به وضع مدیران و متخصصان مورد احتیاج صنعت هم توجه شده و با در نظر داشتن منافع عالی ملی و انقلاب به وضع آنان بانرزش برخورد شود . ما موافق شمار - استقلال ملی ، پاکسازی و رفاه هستیم .

گفتگویی با کارگر افغانی

مالکان بزرگ کاری ندارد و زمین خرده مالکان را می گیرد و تقسیم می کند و چون می بینیم آنها هم زندگی خوبی ندارند در نتیجه زمین آنها را نمی گیریم و تره کی ما را تهدید به قتل می کند . تره کی می گوید که همه مزدم باید به حزب خلق بپیوندند و هر کسی قبول نکند که جزء حزب باشد ساعت حدود ۱۱ شب آنها را از خانه بیرون می برند و بدون محاکمه قتل عام می کنند و هر کسی قبول کند که جزء حزب خلق است تفنگ به او میدهند که باید سایر مردم مسلمان و زحمتکش را بکشد . رهبر شما کیست ؟ آقای اینجر گلبدین یکی از رهبران حزب اسلامی است که هم اکنون در شهر کابل پاکستان است . در ده زاگر نیروی مسلحی تشکیل داده اند که با دولت تره کی زد و خورد می کنند و بمباران دولت سبب کشته شدن برادرش بنام گل محمد شده است . ده آنها که حدود ۵۰۰۰ جمعیت دارد نه مدرسه دارد و نه درمانگاه و همه مردم بیسوادند . خواهان جمهوری اسلامی است که در آنجا کار وجود داشته باشد تا بتوانند همه کار کنند . او معتقد است که شوروی به حکومت تره کی کمک و آنها را مسلح می کند و سبب کشتار مردم میشود .

یکی از خوانندگان " رنجبر " اخیراً مصاحبه ای با یک کارگر افغانی ساکن ایران ترتیب داده که خلاصه ای از آنرا در زیر میخوانید . اسم محمد است از ده ذاکرا از شهرستان کلدار که حدود ۱۵ فرسخی به مرز پاکستان است و از زمان حکومت داوود به اینطرف هر سال حدود ۴-۳ برج در ایران کار می کند و کمک خرجی پیدا میکند . بقیه سال را پهلوی زن و بچه هایم در افغانستان بسر میبرم . از شغل کارگری ساده شروع کردم و بعد از ۶-۵ سال اکنون در قسمت کوره آجر نشاری کار میکنم . دستمزد بستگی به تولید آجر در کارخانه واقع در کرمان دارد که هر ۱۰۰۰ عدد ۴ تومان میدهند . بیمه نیست و شبها همانجا سر کوره می خوابم . می پرسیم : چرا به ایران آمده ای ؟ می گوید : در زمان حکومت داوود بخاطر بیگاری در آنجا بود که آدمم کار کنم . تا کمک خرجی بر ایمان باشد . ولی اکنون بعلت کشتاری است که تره کی می کند . نظرت راجع به حکومت تره کی چیست ؟ تره کی می گوید که من به شما زمین میدهم . ولی او دروغ می گوید چون به زمین

راه پیمائی ، مراجعه به استانداری و تماس با مقامات کشیده شده و کارگران حقانیت خود را در همه جا به اثبات رسانده اند . در اثر این مبارزه کارگران قرار شد که به خواستهای کارگران رسیدگی شود و مدیر کارخانه از کار برکنار گردد . ولی این شخص بیکار ننشسته و با تحریک تعدادی از روستائیان نا آگاه محل و بسیج آنها بر علیه کارگران زحمتکش و میهن دوست این کارخانه ، مشکلات جدیدی برای کارگران بوجود آورده است . کار توطئه و دسیسه چینی کار فرما به آنجا کشید که روستائیان را در مقابل کارگران قرار داده و آنها را به جان کارگران انداخت که حاصل آن کتک خوردن و مجروح شدن تعدادی از کارگران توسط روستائیان محل در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۵ می باشد . ما در رنجبر ۲۲ قسمتی از گزارش این حادثه را به اطلاع شما رساندیم و اکنون شرح مفصل آن را چاپ می کنیم .

صبح روز دوشنبه ۱۵ مرداد ، افراد پاسدار دادستانی برای انجام تحقیق در مورد خواستهای کارگران و اختلاف میان کارگران و کار فرما به کارخانه می آیند . در این موقع تعدادی از روستائیان که توسط عوامل کار فرما تحریک شده اند در مقابل نگهبانی کارخانه اجتماع کرده و تحریکاتی علیه نمایندگان کارگران انجام می دادند . به آنها گفته شده بود که نمایندگان مانع اصلی برای استخدام آنها در کارخانه هستند . در بین آنها یک کامیوندار و یک صاحب کوره آجر پزی بود که در واقع اصلاً احتیاجی به کار در کارخانه نداشتند . اینها به اتفاق پاسداران برای صحبت با نمایندگان می آیند و نماینده ها سعی می کنند آنها را قانع کنند که اصلاً استخدام به نماینده کارگر مربوط نیست . نمایندگان در حضور پاسداران تعهد می دهند که اگر استخدامی در کار باشد حق تقدم با بومی ها باشد و اگر کلاس آموزشی شروع شد آنها هم شرکت میکنند . باین ترتیب ظاهراً غائله می خوابد . ولی در موقع تعطیل کار ، کارگران متوجه می شوند که جاده کارخانه بوسیله اهالی ده آبلو ، توسط یک عده جوان و نوجوان با قرار دادن چوب و تراکتور و چیزهای دیگر بسته شده . کارگران در مقابل نگهبانی اجتماع می کنند . در این موقع از نگهبانی به پاسدارها اطلاع داده می شود که آنها در محل حاضر می شوند و برای ترساندن کارگران شروع به تیراندازی هوایی می کنند . کارگران هم با صدای سوت و دست زدن از این عمل آنها استقبال می کنند . پس از آن کارگران سوار مینی بوسها می شوند و حرکت می کنند در بین راه وقتی به راه بندان می رسند حدود ۲۰ نفر به

متحصن می شوند . استاندار به کارگران میگوید که ساعت ۸ قرار است گزارش مربوطه را پاسداران بیاورند . پاسدارها ساعت ۹ می آیند و می گویند از هر گروه ۵ نفر را گرفته و با خود به تهران می بریم - یعنی ۵ نفر از کارگران ، ۵ نفر از مدیران کارخانه و ۵ نفر از روستائیان که کارگران مخالفت کرده و گفتند که این یک توطئه است . اکثریت کارگران می گفتند که ما نباید برویم . اعلامیه هایی که در این فاصله توسط کارگران تهیه شده بود به طور وسیع در کارخانه های منطقه پخش شد و قرار شد اگر تا فردا وضع روشن نشود یک راه پیمائی بطرف دادگاه انقلاب انجام بشود . کارگران کارخانه های دیگر با کارگران متحصن اعلام همبستگی می کنند .

ساعت ۴ بعد از ظهر نمایندگان کارگران با پاسداران تماس گرفته و به آنها گفتند که می خواهند راه پیمائی کنند . ساعت ۶/۵ راه پیمائی آغاز شد و به طور بسیار منظم بر گزار شد . شعارها این بود : " عدالت عدالت اجرا باید گردد - توطئه گرتوطئه گر رسوا باید گردد " ، " دادگاه انقلابی مورد تأیید ماست - دستگیری مفسدین خواسته قلبی ماست " ، " نه شرقی ، نه غربی ، جمهوری اسلامی - استقلال ، آزادی ، رفاه مستضعفین " و " صبر ما به سر رسید - جانهایم را رسید ساله اکبر ، خمینی رهبر " . یک نفر از کارگران ، در جلو صف راه پیمایان ، متن تلگراف را که بصورت اعلامیه شده بود بین مردم که با اشتیاق از آن استقبال می کردند پخش می کرد . بالاخره صف راه پیمایان به مقابل دادگاه می رسد و حاکم شرع بیرون آمده و با کارگران صحبت می کند . قرار می شود کارگران نمایندگان خود را بفرستند تا صحبت بشود . در همین موقع مدیران کارخانه هم آمدند . در بیرون دادگاه کارگران شعار می دادند : " توده های ، توده های ، انگل کارخانه های - اسلامی ، اسلامی ، مفسد کارخانه های " (اسلامی نام مهندس کارخانه است) . مدیران کارخانه به تنهایی نیامده بودند و تعدادی حاجبی که به اصطلاح نمایندگان دهات اطراف بودند با خودشان آورده بودند .

حاکم شرع و باز پرس با کارگران و مدیران کارخانه بطور جداگانه صحبت میکنند . نمایندگان کارگران وقایع گذشته را شرح می دهند ولی پس از گفتگوی آنها با مدیران و حاجی ها ، دوباره کارگران را احضار میکنند و می گویند که فردا به کارخانه می رویم و اوضاع را از نزدیک بررسی می کنیم . نمایندگان هم پس از خروج از دادگاه با کارگران که در بیرون دادگاه اجتماع کرده اند صحبت کرده و از آنها می خواهند که به منزل رفته و شبه بقیه در صفحه ۴

بسیج حتی برای برده های محسوب زنان بردگان به عنوان کنیز ارباب محسوب می شدند و ارباب حق داشت برای عیاشی خود از آنها استفاده کند . برده دارها برای اینکه بتوانند از طغیان برده ها جلوگیری کنند ، دولتی تشکیل داده بودند . این دولتها جز سرکوب قیام های بردگان و تجاوز به مناطق دیگر و غارت اموال آنها و به چنگ آوردن برده های بیشتر ، کار دیگری نداشتند . از طرف دیگر برده ها که نمی توانستند این وضع مشقت بار را تحمل کنند ، به اشکال مختلفی علیه برده داران مبارزه می کردند . آنها برای مبارزه خود راههای مختلفی انتخاب می کردند . در ابتدا سعی می کردند کم کاری

در دلدل یک کارگر کوره پز خانه

نامه ای از یک کارگر کوره پز خانه

وضع ما کارگران کوره پز خانه ها خیلی خراب است . من ۱۹ سال دارم و ازدواج کرده ام و می باید خرجی ۱۰ نفر را هم بدهم ، در حالی که در آدمم کم است یعنی روزی ۷۰ تومان می گیرم و نمی دانم چطوری زندگی ام را اداره بکنم ولی این ارباب ما که فقط از کار من روزی ۳۰۰۰ تومان استفاده می برد حاضر نیست حق اولاد و حق مسکن ما را بدهد . حتی ما بیمه هم نیستیم و دکتر هم نداریم ولی همین ارباب ماشین زیر پایش ۲۰۰ هزار تومان ارزش دارد ، در صورتی که ما کارگران یک دو چرخه هم نمی توانیم سوار بشویم . ما کارگران از دولت می خواهیم که حق ما را از این اربابان بگیرد چون وقتی ما خودمان می خواهیم این کار را بکنیم آنها می روند و کارگر افغانی می آورند که به جای ما کار کنند و ما بیکار می شویم . این اربابان خاکهای زمینهای کشاورزی را به کوره می آورند و از این خاک استفاده می کنند ما باید نگذاریم که کسی این خاکها را بر دارد چونکه ما نمی خواهیم گندم از خارج بخریم و می خواهیم که خودمان کشاورزی قوی و خوبی داشته باشیم پس ما کارگران کوشش می کنیم که مملکت خود را آباد کنیم و امیدوار هستیم که دولت هم حق مان را از این اربابان بگیرد . خدا نگهدار کارگر کوره پز خانه

کارگران و استثمار

کنند. اربابها هم با کتک زدن و شدت عمل، آنها را وادار به کار می‌کردند. برده‌ها برای اینکه با ارباب مبارزه کنند زمینها را خوب شخم نمی‌زدند. این گونه مبارزات باعث خرابی وضع اقتصاد و کم شدن محصول میشد و لطمه‌های بزرگی به برده دارها و دولت آنها می‌زد. ولی برده‌ها به این مبارزات قناعت نمی‌کردند و گاه و بیگاه دست به شورش و قیام می‌زدند. در ابتدا اکثر این قیامها با شکست روبرو می‌شد، ولی به تدریج با خراب تر شدن وضع اقتصادی و ضعیف تر شدن دولت‌های برده دار، برده‌ها توانستند با کمک دهقانان آزاد (که صاحب تکه زمینی بودند و برده هم نداشتند)، این دولت‌ها را شکست بدهند.

آنها تشکیلات واحد و نیرو مندی نداشتند که بتوانند در آن جمع شوند و اتحادی بوجود آورند که دیگر کسی نتواند به آنها ستم روا دارد و آنها را استثمار کند. همین امر باعث شد با وجود اینکه دولت برده دار، ساقط شد ولی طبقه حاکمه جدیدی از مبارزه آنان سوء استفاده کرد و به قدرت رسید و استثمار از بین نرفت و به شکل دیگری ادامه پیدا کرد.

ولی بهر حال، مبارزه آنها نتیجه بخش بود. درست است که آنها نتوانستند بهره کشی را از بیخ و بن براندازند ولی جامعه یک قدم به جلو برداشت و از یک مرحله به مرحله دیگری پیشرفت کرد. این مرحله جدید "فتووالیسم" یا "نظام ارباب رعیتی" نام دارد.

در دوران فتووالیسم، بجای برده دار سابق، "فتووال" یا مالک ارضی جدیدی پیدا شد، و جای "برده" سابق را "رعیت" جدید گرفت. ولی فرق این دوران جدید با دوران قبلی این بود که ارباب دیگر حق کشتن رعیت را نداشت. او فقط حق داشت از رعیت کار بکشد.

در این دوران اربابها به اشکال مختلفی از رعیتها کار می‌کشیدند. مثلا "یکی از اشکال این بود که ارباب تکه زمین کوچکی به رعیت می‌داد که از آن خرجی خود و عائله‌اش را تامین کند و در عوض، رعیت می‌بایست روی زمین ارباب کار کند و زمینهای بزرگ ارباب را بکارند و محصول زیادی تحویل ارباب بدهد. در این شرایط رعیت مثلا" هفته‌ای دو روز روی زمین خود کار می‌کرد و چهار روز باقی مانده را می‌بایستی روی زمین ارباب کار کند. یکی از اشکال دیگر رابطه‌ی ارباب رعیتی این طور بود که رعیت روی زمین ارباب کار می‌کرد و تمام کارهای زراعت را انجام می‌داد تا محصول آماده شود. در موقع برداشت محصول، مقدار کمی از آن مثلا" یکدهم آن را به رعیت می‌دادند و نه دهم بقیه به ارباب تعلق داشت.

عیاشی انجام نمی‌داد. ظلم و ستم همچنان برقرار بود. رعیت وابسته به زمین بود. اگر ارباب می‌خواست زمین را بفروشد رعیت را هم با زمین می‌فروخت. در این زمان هم مثل دوران برده داری، رعیتها علیه اربابان خود مبارزه میکردند. آنها مرتبا "علیه فتووالها و دولتشان قیام می‌کردند. ولی همان وضعی که برده‌ها داشتند برای رعیتها هم وجود داشت. آنها نمی‌دانستند که چه باید بکنند و راه از بین بردن "استثمار" چیست. آنها هم مثل برده‌ها هنوز به این نتیجه نرسیده بودند که: "ابزار تولید مال همه است و نباید عده معدودی صاحب و مالک آن باشند". و همچنین تشکیلات یکپارچه و متحدی نداشتند. به همین دلیل اکثرا "مبارزات آنها با شکست روبرو می‌شد.

ولی در داخل جامعه فتووالی، عامل جدیدی ظهور کرد که کمک بزرگی به تغییر وضع جامعه نمود. ما در زیر نشان خواهیم داد که این عامل جدید چگونه بوجود آمد. همچنین توضیح خواهیم داد که چگونه این عامل به از بین رفتن دوران فتووالی کمک کرد.

قبلا "در مورد پیشه وران و صنعتگران صحبت کرده بودیم. ما می‌دانیم که آنها ابزار کار و وسایل دیگر می‌ساختند. کارهای از قبیل آهنگری، نساجی، دیباغی، رنگرزی و غیره به عهده‌ی آنها بود. ابزار کار مرتبا" پیشرفت می‌کرد و مرتبا" وسایل جدیدی برای کار ساخته می‌شد. چیزهای جدیدی اختراع می‌شد و چیزهای تازه‌ای کشف می‌گردید. در نتیجه، کارگاههای پیشه‌وری روز به روز بزرگتر می‌شد. مثلا" اگر قبلا" برای کار بافندگی، یک استاد و یک یا دو شاگرد در "اطاق" کوچکی کار می‌کردند، حالا بایا پیدا شدن وسایل جدید و بزرگتر، چند نفر در یک "کارگاه" بافندگی کار می‌کردند. چون حالا دیگر تعداد زیادتری می‌توانستند در کارگاهها کار بکنند. این امر باعث می‌شد کارگاهها محصول بیشتری تولید کنند و در نتیجه سود آنها زیادتر شود. در نتیجه، عده‌ای که قبلا" خود به تنهایی با یک تادو شاگرد کار می‌کردند تا بتوانند خرج خانواده خود را در آورند، حالا با پیشرفت وسایل تولید می‌توانستند دیگر خودشان کارکنند، و عده‌ای کارگر و استاد کار را به کار بکشند و از ثمره‌ی کار آنها زندگی خود را بگذرانند. البته این کار فقط از عهده‌ی افرادی که پولدار بودند بر می‌آمد. زیرا برای تاءسیس یک کارگاه بزرگ می‌بایستی به اندازه‌ی پول داشته باشند که بتوانند ابزار تولید را بخرند، محل کار گاه را بسازند و از عهده‌ی هزینه‌های دیگر مثل مواد اولیه و غیره نیز بر آیند. بنابراین همه استاد کارها نمی‌توانستند صاحب "کارگاه بزرگ" بشوند. و فقط عده‌ای پولدار از میان آنها صاحب

رنجبر

کارگاه می‌شدند و بقیه را برای کار کردن در کارگاههای خود اجیر می‌کردند. این گونه کارها با پیشرفت زمان رونق بیشتری پیدا می‌کرد و بازار کار بوجود می‌آورد. از طرف دیگر، رعایا و دهقانان فقیر که زیر بار ستم فتووالها به جان آمده بودند از مزارع فرار می‌کردند و برای شاگردی و کارگری به این قبیل کارگاهها روی می‌آوردند. چرخ این کارگاهها در اول با قدرت نیروی انسان یا با آب به گردش در می‌آمد. ولی پس از مدتی نیروی بخار کشف شد. این نیرو به تدریج مورد استفاده قرار گرفت و برای به حرکت در آوردن چرخ کارگاهها جای نیروی انسان را گرفت. با کشف نیروی بخار، کارگاهها هر روز بزرگتر و بزرگتر می‌شدند و در نتیجه تعداد زیادتری کارگر را به کار مشغول می‌کردند. این پیشرفت‌ها باعث شده بود که سود سر شاری به جیب صاحبان کارگاهها سرازیر شود و هر روز بر سرمایه‌ی آنها افزوده شود. آنها مرتبا" کارگاههای خود را توسعه می‌دادند. به این افراد "سرمایه دار" می‌گفتند. این سرمایه‌داران برای اینکه بتوانند کار خود را رونق بدهند و پیشرفت کنند می‌بایستی قدرت دولتی را که در جنگ فتووالها بود از آنها بگیرند و در اختیار خود قرار بدهند تا با خیال راحت بتوانند کار خود را وسعت دهند.

در این میان، رعایا هم که از ستم فتووالها به تنگ آمده بودند هر روز بر مبارزات خود علیه فتووالها می‌افزودند. ولی همان طور که گفتیم آنها نمی‌دانستند چه چیزی را جانشین نظام ارباب رعیتی کنند. از طرف دیگر سرمایه دارها هم می‌خواستند فتووالها را از بین ببرند تا فقط خودشان بتوانند استثمارگر باشند. به همین دلیل هم آنها از جنبشهای دهقانی حمایت کردند و دولت فتووالها را سرنگون نمودند و خود جانشین آن شدند. پس در واقع می‌بینیم که دولت فتووالها عملا" به دست دهقانان سرنگون می‌شود ولی قدرت به دست سرمایه دارها می‌افتد.

ما در شماره بعد نشان خواهیم داد که سرمایه دارها چگونه کارگران را استثمار میکنند و از این طریق بر ثروت خود می‌افزایند، و کارگران هم چگونه در مقابل این استثمار و برای از بین بردن آن مبارزه می‌نمایند.

توضیح درباره "استثمار ۲"

در مقاله‌ی "کارگران و استثمار (۲)"، در مورد کشف آتش و آغاز کار کشاورزی اشتباهاتی صورت گرفته و به عامل ذهنی و خود انسان بیش از واقعیت عینی جهان خارج اهمیت داده است که بدین وسیله متذکر می‌گردد.

سیمان نکا

صبح به دادگاه انقلاب اسلامی بیایند. روز پنجشنبه ساعت ۱۰ صبح نمایندگان کارگران به محل دادگاه می‌آیند و به اتفاق اعضای دادگاه به محل کارخانه می‌روند. دم در نگیبانی مطابق معمول عده‌ای از روستائیان دهات اطراف جمع بودند. ... به داخل کارخانه که می‌روند اعضاء دادگاه، اول یک داد و بیداد با مدیر مالی راه می‌اندازند و سپس باز پرس بیرون آمده و شروع به هوار کشیدن به ضد کارگران می‌نمایند. البته در این موقع بجز روستائیان از کارگران کسی در داخل کارخانه نبود. نمایندگان کارگران که همراه اعضاء دادگاه بودند اعتراض می‌کنند. این طور استنباط می‌شد که اعضاء دادگاه به طور کلی بر ضد نمایندگان کارگران جبهه گرفته‌اند. و اصلا" حمله اوباشها را به کارگران در نظر نداشتند. گوشه‌های آنها پر شده بود که نمایندگان کارگران کمونیست هستند. حاکم شرع میگفت: "مردم دهات اطراف حق دارند که بدانند در همسایگی آنها چه می‌گذرد و در مقابل اسلام مسئول هستند". یکی از نمایندگان کارگران این شعر را در پاسخ حاکم شرع می‌خواند: "نرسم نرسی به کعبه، ای اعرابی - این ره که تو می‌روی به ترکستان است. نتیجه معلوم است. حاکم شرع حکم باز داشت نمایندگان کارگران را نوشته و موقع خروج از کارخانه، دم در نگیبانی برای روستائیان سخنرانی کرده می‌گوید: "شماها حق دارید این کار را بکنید و شنبه ۳۵۰ نفر از کارگران را اخراج می‌کنیم. ... نمایندگان کارگران را سوار ماشین کرده و با پاسدار به طرف تهران راه می‌اندازند. ولی با بردن نمایندگان کارگران، مسئله تمام نمی‌شود. کارگران کارخانه و سایر کارگران کارخانه‌های دیگر که از این ماجرا مطلع میشوند صدای اعتراض خود را بلند می‌کنند. ... صبح شنبه، همه کارگران کارخانه جلوی

دادگاه جمع می‌شوند. کارگران کارخانه‌های نساجی و سندیکای ساختمانی "مانا" در کارگاه چوب و کاغذ و کشت و صنعت شمال و ... اعلام همبستگی می‌کنند. کارگران جلوی حاکم شرع را می‌گیرند که یکی از کارگران او را بدر می‌دهد. ... و به داخل ساختمان دادگاه می‌روند. قرار می‌شود ۴ نفر از کارگران به عنوان نماینده انتخاب شوند. پس از آن صحبت‌های مفصلی انجام می‌شود. در این جلسه اعضاء دادگاه انقلاب به شهر هم حضور دارند. حاکم شرع مجبور می‌شود به تهران دادستانی کل تلفن بزند که نمایندگان زندانی را آزاد کنند.

مقاومت دلیرانه کارگران کارخانه و همبستگی و پشتیبانی کارگران سایر کارخانه‌ها و تأیید مردم از خواسته‌های عادلانه کارگران باعث می‌شود که نمایندگان کارگران از زندان آزاد بشوند.

سؤال می‌کنند که در اینجا پیش می‌آید و آن این است که چه دست‌هایی در کار است که مانع ادامه کار کارخانه و جلوگیری از بالا رفتن تولید می‌شود و کارگران را وادار به دست کشیدن از کار، اعتراض، تحصن و ... می‌کند؟

مقامات مسئول چرا وقتی به حقانیت کارگران و خواسته‌های عادلانه آنها که مورد پشتیبانی کارگران سایر کارخانه‌ها و تأیید مردم است آشنا می‌شوند، طرف کار فرما و عوامل او را می‌گیرند؟

کارگران ستون انقلاب ما هستند و بار سنگین ادامه انقلاب و حفظ دستاوردهای آن به دوش کارگران قرار دارد. باید از خواسته‌های عادلانه آنها پشتیبانی کرد و با تصفیه کارخانه از عوامل طرفدار امپریالیسم روسیه و عوامل رژیم سابق به خواست عادلانه کارگران پاسخ مثبت داد. کمیته، پاسداران دادگاه انقلاب و حاکم شرع باید برای پیشرفت انقلاب و حفظ آن در مقابل توطئه‌های دشمن محکم بایستند و از خواست کارگران پشتیبانی کنند.

کردستان بزرگ...

بمیدان بیاید. موقعیت مهم استراتژیکی منطقه خاورمیانه و اهمیت حیاتی خلیج فارس و ذخایر سرشار نفت، رقابت دو ابر قدرت را شدت بیشتری می‌بخشد. منابع طبیعی، نیروی انسانی، موقعیت مهم جغرافیایی و بالاخره تسلط بر یکی از مهمترین راههای آبی دنیا، امروز این منطقه را به یک کانون مهم رقابت دو ابر قدرت و اخلاگری و توطئه‌های آنان تبدیل کرده است. دو ابر قدرت در راه نفوذ و سلطه و گرفتن امتیازاتی در این منطقه دست بهرگونه دسیسه و جنایتی می‌زنند. ابر قدرت شوروی امروزه دست به تهاجم آشکاری در این منطقه زده است. ایجاد باصلاح جنبش‌های ملی تا حد تجزیه طلبی

ساره سنج

اداره نشر کتب و مطبوعات

در این شماره:

اوضاع کنونی و وظائف ما

پلاتفرم ایجاد حزب کمونیست ایران

برنامه سازمان انقلابی برای

اتحاد بزرگ ملی

ثوری سه جهان چیست و چه میگوید

را انجام می داد تا محصول آماده شود. در موقع برداشت محصول، مقدار کمی از آن مثلا یکدهم آن را به رعیت می دادند و نه دهم بقیه به ارباب تعلق داشت. علاوه رعیت می بایستی کار نگهداری حیوانات و تهیه هیزم و مواد سوختی ارباب و خلاصه کارهای دیگر ارباب را هم انجام دهد، و ارباب هیچ کاری جز مفت خوری و

اطلاعیه

به نامهای آقایان: علی رضازعی، سیامک موید زاده، محمد علی گلپه ران بیژن اوشیدری و داود قوامی انتخاب شدند تا وظایف محوله در طول یک سال را به انجام رسانند.

در این کنگره که با ریاست سنی آقای نصیری عضو شورای عالی کار شروع به کار کرد، بنا به دعوت دفتر هماهنگی، آقای صادقی مدیر کل امور سندیکائی نیز بعنوان نماینده وزیر کار شرکت داشت و در کمال بی طرفی ضمن اظهار نظر، به سئوالات برخی از نمایندگان پاسخ داد و ضمن راهنمایی های لازم برای برسمیت شناختن هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران ارائه نمود.

در پایان، کنگره قطعنامه ای در پشتیبانی از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و دولت موقت انقلابی صادر کرد. در این قطعنامه توطئه های ضد انقلاب و حرکات مخرب نیروهای وابسته به بیگانه نیز محکوم شده و همچنین ضمن درخواست رفع تبعیض بین کارگران و کارمندان، تصویب نامه نیروی ویژه "مورد اعتراض قرار گرفته است. قابل توجه اینکه کارگران حاضر در کنگره با شور و شوق غیر قابل توصیف در عین حفظ انضباط کارگری در تک تک موارد اظهار نظر نمودند و در پایان به اتفاق آراء کلیه اسناد را به تصویب رساندند که خود نشان زنده ای از آگاهی و میل به وحدت کارگران ایران است. ضمناً در این کنگره آقای نصیری عضو شورای عالی کار به اتفاق آراء و با استقبال گرم کارگران به عضویت افتخاری هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران و مشاور هیئت دبیران انتخاب شد.

هر چند این کنگره به علت عدم دسترسی به جای مناسب، در زیر یک چادر در محل دفتر هماهنگی برگزار شد، با این حال شور و شوق کارگران و نظم و یکپارچگی بی نظیر آنها تحسین همگان را برانگیخته بود. علاوه بر در و دیوار محل کنگره در کنار عکسهای از امام خمینی شعارهای زیر چشم میخورد. "درد بر امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی

هر بیهوشی دبیر من مواد اوبیه و غیره نیز بر آیند. بنابراین همه استاد کارها نمی توانستند صاحب "کارگاه بزرگ" بشوند. و فقط عده ای پولدار از میان آنها صاحب ایران"، "با اتحاد خود توطئه ابرقدرتها و عمالشان را در هم شکنیم"، "زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران ایران"، "اقتصاد ملی و شکوفان ایران برپا زان کارگران استوار است"، "ما خواهان تساوی کارگران زن و مرد در همه زمینه ها هستیم" و ...

دبیر خانه هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران

منشور

بیشتر از هر قشر و طبقه ای لمس کرده و آگاهند که در پرتو ایرانی مستقل و آزاد و جدا از هر گونه وابستگی به بیگانه قادر به تامین منافع خود خواهد بود.

پیروزی انقلاب اسلامی که پیام آور آزادی برای مردم بخصوص زحمتکشان بود، کارگران ایران را بر آن داشت از این آزادی که برای آن مبارزه کرده و به دست آورده اند استفاده کرده، اقدام به ایجاد تشکیلات صنفی - سیاسی واقعی در واحدهای تولیدی خود نموده و از آنجا که ضرورت اتحاد و همبستگی را با تمام وجود حس می کنند - توانستند با همکاری تعدادی از نمایندگان شوراهای و سندیکاهای خود تشکیلات سراسری مستقل خود را بوجود آورند.

کارگران ایران طی ۷۰ سال مبارزات صنفی - سیاسی به نقش مبارزات متشکل خود پی برده و توانسته طی این مدت این واقعیت تاریخی را درک کند که پیروزی مبارزاتشان وقتی تضمین است که این مبارزات به طور هماهنگ انجام پذیرد. نقش کنفدراسیون کارگری ایران هماهنگ کردن مبارزات کارگران ایران در اقصی نقاط کشور بالا بردن آگاهی کارگران در مورد مسائل صنفی سیاسی و آموزش از دستاوردهای یکدیگر می باشد.

هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران برای بدست آوردن خواستهای صنفی - سیاسی آنهاست. و از هر گونه مبارزه به حق کارگران پیگیرانه دفاع می کند.

هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران در چهار چوب انقلاب اسلامی به طور قانونی و علنی فعالیت می کند فعالیت علنی کنفدراسیون در خدمت ارتباط با وسیعترین توده های کارگر برای متشکل کردن آنها جهت ایجاد جبهه وسیع کارگران برای مقابله با

ن بیس و و محیط عیسی جهان خارج اهمیت داده است که بدین وسیله متذکر می گردد.

ظلم و ستم کار فرمایان می باشد. هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران تشکیلات مستقل صنفی - سیاسی کارگران است که فقط متکی به کمکهای فکری مادی و عملی کارگران بوده و برای حفظ استقلال خود، از هر گونه کمک از دولت، کار فرمایان و احزاب و سازمانهای سیاسی خود داری می کند و برای تامین خود اعتقاد راسخ به متشکل کردن هر چه وسیعتر کارگران دارد.

قطعنامه

۵- ما خواهان تاءمین آزادی فعالیتها صنفی - سیاسی کارگران بدور از هر گونه انحصار طلبی میباشیم.

۶- ما خواهان شرکت نمایندگان واقعی کارگران در تدوین قانون کار هستیم.

۷- ما خواهان تصفیه کامل مدیریت کارخانجات از عوامل وابسته به امپریالیسم و ارتجاع و ضد انقلاب میباشیم.

۸- ما خواهان ملی شدن قاطعانه صنایع، بانکها و بیمه های وابسته به امپریالیسم و کوتاه کردن دست سرمایه داران غارتگر میباشیم.

۹- ما خواهان پرداخت حقوق مساوی در برابر کار مساوی برای کارگران زن و مرد هستیم.

۱۰- ما خواهان تاءمین و اجرای ۴۰ ساعت کار در هفته و همچنین تاءمین مرخصی مساوی برای تمام کارکنان اعم از کارگرو کارمند میباشیم.

۱۱- ما خواهان کنترل قیمتها و کوتاه کردن دست واسطه ها برای بالا بردن قدرت خرید کارگران میباشیم.

۱۲- ما خواهان رسیدگی جدی بوضع نابسامان بیمه، بهداشت و مسکن کارگران هستیم.

۱۳- ما ایجاد نیروی ویژه را بعنوان عامل سلب آزادی در محیط کار تشخیص داده و خواستار لغو فوری این تصویب نامه میباشیم.

۱۴- ما خواهان جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران و تاءمین کار برای کارگران بیگار میباشیم.

۱۵- ما نمایندگان حاضر در کنگره هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران با توجه به فقدان مقدماتی ترین وسائل رفاهی در زمینه بازنشستگی، بیمه، بهداشت و مسکن کارگران کوره یزخانه ها و کار قرون وسطائی و طاقت فرسای این برادران در برابر دستمزد

صنعت دست بهر سوبه دسیسه و جانی میزند. ابر قدرت شوروی امروزه دست به تهاجم آشکاری در این منطقه زده است. ایجاد باصلاح جنبش های ملی تا حد تجزیه طلبی در میان ملیت های کشورهای خاورمیانه و تحریکات مرزی از جمله فعالیت های اخلا لگرنه شوروی در این زمینه است.

کردستان ایران امروز شاهد یک جنگ تحمیلی است.

در نواحی کرد نشین ترکیه نیز در ماه های اخیر برخوردهائی صورت گرفته است و شوروی فسالانه در صدد وحدت بخشیدن به سازمانهای مختلف کرد این ناحیه زیر نفوذ و هدایت خویش است. در رهبری جنبش های کرد، هم در ایران وهم در ترکیه عناصر شناخته شده وابسته به شوروی وجود دارند. سلاحهای مختلف روسی حتی سلاحهای نیمه سنگین و سنگین بطور وسیع پخش شده است. همه اینها روز بروز خطر بالفعل شوروی را بیشتر نشان میدهد.

شکی نیست که خلقهای تحت ستم خواستهای عادلانه ای دارند که باید برآورده شوند اما آزادی هر خلق ساکن در یک کشور در چار چوب استقلال، تمامیت ارضی همان کشور در چهار چوب انقلاب ضد امپریالیستی مردم آن و در وحدت با سایر خلقهای آن کشور علیه امپریالیسم قابل تحقق است.

در دوران امپریالیسم، لازمه مترقی بودن و انقلابی بودن هر جنبش ملی داشتن موضع قاطع ضد امپریالیستی است. زیرا در غیر اینصورت جنبش ملی این خلقها بازیچه دست امپریالیستها میشود. امروز داشتن موضع قاطع ضد امپریالیستی بمعنای مبارزه قاطع بر علیه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است. خلق کرد در هر کشور باید متحد با سایر خلقهای هم میهن خود بمبارزه ضد امپریالیستی ادامه دهد و خلق کرد ایران نیز حقوق ملی خود را در جریان مبارزه ضد امپریالیستی و در وحدت با دولت مرکزی در ادامه انقلاب میتواند بدست آورد. در غیر اینصورت تجربه تلخ ملا مصطفی بارزائی و حزب دمکرات کردستان عراق در ایران تکرار خواهد شد.

ناجیز از دولت موقت انقلاب موكدا درخواست اقدامات فوری جهت رسیدگی به رفع مشکلات فوق بخصوص تعیین میزان دستمزد بر مبنای حداقل دستمزد مصوبه وزارت کار میباشیم.

پسایدار بباد جمهوری اسلامی ایران بر رهبری امام خمینی پیروز بباد کنفدراسیون کارگران ایران در خدمت انقلاب

در مورد قدریس...

پرورش فارس را رد نمودند و این امر نشان دهنده این واقعیت است که بسیاری از مردم ما هستند که به درستی معیارهای صحیح را از معیارهای غلط در تعیین دوستان انقلاب و دشمنان انقلاب تشخیص می دهند و در مواردی مثل مورد فوق در مقابل نظرات و افکار نا درست حساسیت از خود نشان میدهد. از آن جمله نوشته کوتاه و جالب توجه آقای عطاء الله حسینی در روزنامه انقلاب اسلامی به تاریخ ۷ شهریور است که در رد قاطع اظهارات مدیر کل آموزش و پرورش فارس با عنوان "شما را به خدا این افکار ارتجاعی را به حساب اسلام نگذارید" توضیحات درستی داده است.

در این نوشته در مورد سخنان مدیر کل آموزش و پرورش فارس چنین آمده است. "این کلام در عین حال که غیر انسانی است غیر اسلامی نیز هست. غیر انسانی است چون برادران معلم غیر مسلمان ما را به طور ضمنی در ردیف ضد انقلابیون قرار داده است و غیر اسلامی است چون چهره آموزشی اسلام را دگرگونه جلوه میدهد".

نویسنده بعد از ذکر نظراتش در مورد ماهیت واقعی اسلام مبارز چنین ادامه میدهد: "ما به مسلمانان پاک نهاد و خالی از غرض و مرض نیازمندیم که اخوت اسلامی را در سطحی وسیع بشناسانند نه پراکندگی و تفرق را موجب شوند ..."

ما بارها در دفاع از لزوم وحدت وسیع خلق در ادامه انقلاب در دوره باز سازی کشور، یاد آور شدیم که هم تجربیات تاریخی و هم واقعیات امروز جامعه نشان می دهد که معیارهای صرفاً "عقیدتی، ایدئولوژیک و مذهبی قادر نیست صفوف دوستان انقلاب را از دشمنان انقلاب متمایز سازد. بلکه بر عکس موجب اغتشاش و سوء استفاده عناصر ناپاب می شود. تنگ نظران و انحصار طلبان چه راست و چه چپ نما تا کنون مکرر در مکرر در این مورد گیجی و اغتشاش ایجاد کرده اند و به هرج و مرج دامن زده اند.

اظهارات مدیر کل آموزش و پرورش فارس یک تصادف نیست، بلکه نشان دهنده وجود همین طرز تفکر غلط و شناختن معیار صحیح در مرز بندی میان خلق و ضد خلق و یا دوستان و دشمنان انقلاب است. معیاری که تنها می تواند ملی بودن یا وابسته به بیگانه بودن باشد.



نگاهی به مسائل روستائی گیلان

کشت نرفته‌اند و این نوع زمینها عمدتاً شامل چایکاریها و باغات و زمینهای بایر روستاها است و فقط در بخشهایی از طولش مالکین همچنان مزارع برنج خود را حفظ کرده‌اند. روستاها قبل و بعد از اصلاحات ارضی:

قبل از اصلاحات ارضی روستاها در اختیار ملاکین بزرگ بوده و عملاً کلیه مناسبات بین کشاورزان از یک طرف و ملاکین از طرف دیگر حل میشده است.

مناسبات فئودالی بر مبنای سهم‌بری، اجاره، و کار مزدوری بود. در منطقه گیلان به استثنای برنجکاری، مالکین عمدتاً از کارگر مزدور استفاده میکردند.

بعد از اصلاحات ارضی در بعضی از مناطق قسمت اعظم برنجکاری از زیر سلطه ملاکین درآمده است. ولی در مورد سایر تولیدات کشاورزی هنوز همان مالکین دارای عمده تولید هستند.

در روستاها بعد از اصلاحات ارضی از آنجا که تقسیم ارضی بر مبنای مقدار زمین افراد بوده طبیعی است آنها یکدیگر بیشتر زمین داشته‌اند و از نظر مادی در شرایط بهتری بوده‌اند و توانسته‌اند بخاطر فقر دهقانان فقیر زمینهای آنها را در مرحله سوم بنام خودشان تبدیل کنند و عملاً در بعضی از روستاها جای مالکین سابق را یک یا دو نفر از روستائیان مرفه گرفته‌اند.

بعد از اصلاحات ارضی با استثنای مناطق طولش، اکثریت با دهقانان میان حال است و اقلیت با دهقانان مرفه بطوریکه در هر روستا بیش از سه یا چهار خانوار مرفه نمیتوان پیدا کرد و دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی که سابقاً "مزدوری میکردند عملاً" راهی شهرها شده و بکارگران شهری، دکاکین و کارخانجات و کارهای ساختمانی پیوسته‌اند.

بطور کلی بیشتر نیروی فعال روستاها مهاجرت کرده‌اند. بعلاوه اینکه سطح زیر کشت کشاورزی قادر به تکفای مایحتاج خانواده‌ها نبوده است ولی بطور کلی اکثریت دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی به حواشی شهرها کوچ کرده‌اند و این مهاجرت همچنان ادامه دارد. مگر در نزدیکیهای شهر که بعلاوه

و پول معادل ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال علاوه بر تاءمین صبحانه و نهار و گاهی موارد شام دریافت میکنند که در قیل کمتر بوده ولی در حال حاضر بمقدار فوق می‌باشد. تنها در شیوه تولید جای تعداد گاو را تیلرهای جدید که تنها بدرد شخم زدن می‌خورند گرفته است از نظر استفاده از بذرها اصلاح شده هیچگونه تغییری نکرده و کماکان کشاورزان برای کارگران مرد از همان شیوه‌هایی که فئودالها استفاده میکردند استفاده میکنند یعنی از کارگر قرار دادی که در واقع همان مزدور می‌باشد استفاده میکنند. از نظر تسطیح ارضی و تبدیل مزارع کوچک به بزرگ هیچگونه تغییری در روستاها صورت نگرفته است.

از نظر اقتصادی

سابقاً وام دهنده اصلی مالکین و رباخواران بوده و اینها خریداران عمده تولیدات کشاورزی بودند.

در حال حاضر جای مالکین را تعاونی کشاورزی و بانک کشاورزی گرفته است و گاهی موارد برای توتون کاران و چایکاران وامهای ویژه‌ای از طرف این دو موسسه پرداخت میشود که معمولاً طولانی مدت هستند.

علاوه بر اینها رباخواران کماکان در بعضی از روستاها بخصوص روستاهای فقیر دارای قدرت زیادی هستند و عملاً روستائیان در چنگال اینها می‌باشند. به علت اینکه روستائیان قادر نیستند هر ساله بدهکاری خود را بدهند بر مقدار بدهکاری بر رباخواران افزوده میشود.

عمده بدهکاری کشاورزان در حال حاضر به شرکت تعاونی است و بعد هم به بانک کشاورزی، جالب است که روستائیان در موقع بازپرداخت تمام محصول خود را باید بفروشند تا سر موقع مقرر بدهکاری شرکت را پرداخت کنند بهره سابقاً ۶٪ بود در حال حاضر ۳٪ است بطور کلی در گیلان روستائیان مخصوصاً

روستائینی که دارای زندگی بخور و نمیری هستند بآنک بدهکارند. مقدار بدهکاری روستائیان عملاً از میزان سرمایه آنها بیشتر است با توجه باینکه بسیاری از تولیدات دستی روستائیان عملاً از بین رفته است.

صنایع ملی در گیلان

از نظر صنایع ملی واصل میتوان صنعت چوب بری، چایساز، توغان داری (پرورش ابریشم) کارخانه‌های برنجکوبی و صنایع شیلات و گونی بافی را نام برد.

صنعت چوب بری که بعلاوه قطع بی‌رویه درخت عملاً بخشهای زیادی از جنگلها را نابود کرده است عملاً در شرایط حاضر آن قدرت سابق را ندارد. و در صورت ادامه کار آن کارخانجات بهمین شیوه‌ای که ادامه دارد با استثنای فیبر رویال بقیه از کار خواهند افتاد. مجموعاً تمام کارخانجات چوب بری در گیلان با استثنای فیبر رویال ضرر میدهند. و سایر کارخانجات چوب بری عملاً ورشکست شده‌اند. این کارخانجات مجموعاً "در حدود

و مولدین برق بدست کارگران ایران ساخته می‌شود.

این صنعت قادر است سریعاً رشد کند که آنهم بستگی به رشد تولید برنج در منطقه دارد. صنایع گونی بافی که سابقه طولانی دارد و اخیراً هم یکی از جدیدترین کارخانجات گونی بافی ساخت زاین جایگزین آن شده است. برای این کارخانجات مجموعاً شصت

نفر کار میکنند با این تفاوت که کنف مورد مصرفی تماماً از چین و تایلند وارد میشود که سابقاً از طریق پاکستان وارد میشد، این کارخانه بخاطر اینکه ما تولید کنف در ایران نداریم بازاری هر گونی ۳۰ ریال ضرر برای ما دارد، در صورت رشد تولید کنف میتواند علاوه بر احتیاجات داخلی منطقه و ایران با همکاری گونی بافی مازندران صادرات نیز داشته باشد و ضمناً مقدار زیادی افراد کشاورز را بکار بگمارد.

صنایع شیلات:

مجموعه تولید ماهی دز ایران به ۲۵۰۰۰ تن در سال میرسد و عملاً یکی از واحدهای صنایع ملی کشور است که با افزایش مقدار صید میتواند رشد سریعی بکند. لازم بیاد آوریم که این صنعت صنایع کنسرو سازی و روغن و پودر ماهی را نیز در بر میگیرد.

علاوه بر اینها سایر صنایع ملی ما عبارتند از صنایع نساجی که در حال حاضر بیش از شش کارخانه که هر کدام عملاً بیش از ۷۰۰ کارگر دارند مشغول بکارند و میتوانند در صورت افزایش تولید پنبه در ایران هم برای روستائیان کار ایجاد کنند و هم تعداد کارگران را افزایش دهند. این صنایع شامل: ریستندگی، بافندگی، پارچه، قالی، موکت و لباس می‌باشد. این قسمت علیرغم وابستگی بخارج سوددهی فراوان داشته است.

هیأت اعزامی...

به این تضاد موجود، دولت نمیتواند موضعی در میان زمین و آسمان اختیار کند.

دولت باید در این درگیریها جبهه خود را به صراحت روشن کند. روشن است که با توجه به ماهیت دولت ملی و اینکه نتیجه قیام توده‌های مردم بر علیه استعمار، استبداد و استثمار بوده و وظیفه بزرگ ادامه این مبارزه را عهده دارد، تنها راه منطقی و درست در این مورد، متحد شدن با دهقانان بر علیه مالکین زورگو میباشد. تنها در این صورت است که قادر خواهد بود خلق ترکمن را به پشتیبانی استوار از دولت در مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و رفاه اجتماعی جلب کرده و در عین حال زمینه‌های تحریک و توطئه را از میان بردارد.

در رابطه با مسائل مشخص مربوط به حل مساله زمین در ترکمن صحرا نکاتی بنظر ما میرسد که در زیر به آنها اشاره میکنیم: (مساله اول چگونگی ارزیابی و

داریوش فروهر

این خواستها همه به حق بود، به آنها گفتم و در گزارشهایی هم که دادم اعلام داشتیم این خواستها به حق است و باید که انجام پذیرد اما همان هنگام به برادران کردهشدار دادم که بر حذر باشید از کسانی که شما را ترغیب می‌کنند اسلحه به دست بگیرید و با زبان گلوله بخواهید که خواستها شما برآورده شود به آنها یاد آوری کردم به گذشته نگاه کنید. خواستهای مردم کردستان دهها بار به زور اسلحه مطرح شده است و هر بار شکست خورده است بیایید یک بار در حالی که انقلاب اسلامی ملت ایران به پیروزی رسیده است و شما خود سهم بسزایی در پیروز شدن این انقلاب داشته‌اید از زبان سیاسی و باهم سخن بگوئید و خواستهای خود را به صورت یک برنامه سیاسی طرح کنید با کمال تاءسف کسانی که از آن سوی مرزها دستور می‌گرفتند آنقدر توطئه کردند که امروز این گوشه پرارزش میهن ما را به صحنه خون و آتش بدل کردند و این گناه هرگز از نظر ملت ایران بخشودنی نیست. این به آن معنا نیست که مردم ایران کردها را از خود جدا می‌دانند. این به آن معنا نیست که کردستان جدا از دیگر بخشهای ایران دیده شده. سالیان دراز است در پهنه گسترده فلات ایران کرد و ترک و بلوچ و خوزستانی و خراسانی و تهرانی، همه باهم زندگی می‌کردند. بدبختی‌ها را با هم گذرانده‌اند خوشبختی‌ها را با هم داشته‌اند و در آینده هم بی شک چنین خواهد بود اما این معنی می‌دهد که روی سخن با کسانی است که به عمد یا از راه اشتباه یک خواست را آن چنان بزرگ کردند و راه برآورده شدن آنها آنچنان به بیراهه کشاندند که امروز کردستان عزیز به صورت یک دشواری در راه ادامه انقلاب درآمده است.

و بفرنج میباشد.

از یک طرف زمین‌های بسیار وسیعی وجود دارند که بطور مکانیزه کشت میشوند و اصولاً تقسیم این زمینها به قطعات کوچکتر امکانات زراعت مکانیزه را بر روی زمین محدود نمودن، باعث پائین آمدن میزان محصول

میکردد. هم چنین این گونه زمینهای بزرگ مکانیزه به افراد متخصص، سرمایه و امکانات مختلف دیگر احتیاج دارند که معمولاً در دسترس دهقانان عادی نمیشد. بنابراین بهترین سیاست عمومی (غیر از موارد خاص) در این رابطه ایجاد تعاونی‌های کشاورزی است که اساساً از طرف خود دهقانان و یا شورای منتخب آنان اداره شده و دولت بر چگونگی اداره آنها نظارت و همکاری داشته باشد.

در ضمن بخش معینی از درآمد این شرکتها تعاونی‌ها به کارهای عمرانی در روستاها (ایجاد مسکن، مدرسه، مسجد، حمام، جاده، و غیره) و بطور کلی در خدمت امور

استعداد فراوان دارند. در گیلان از نظر عام میتوان مردم را بدو بخش تقسیم کرد: گیل و طالش، که گیلها در شرق گیلان و فومنات و بطور کلی بخشهایی از غرب و جنوب را شامل میشود و طالش که بیشتر مناطق کوهپایهها تا منطقه طوالش را در بر میگیرد و از نظر وضع زندگی در شرایط بسیار بدتری نسبت ب مردم گیل

قرار دارند. بیشتر آنها در کوهپایه‌ها زندگی میکنند و از نظر کشاورزی و زمین زیرکشت محدودیت فراوان دارند. روستاهای گیلان را میشود به سدهسته تقسیم کرد.

۱- روستاهایی که هنوز زیر سرکرده‌گی مالکان ارضی هستند. شامل مناطق طوالش و چایکاریها و دامپروریها میشود که بعلمت فقر کشاورزی و باصلاحات ارضی و بدهکاری که زارعین ب مالکین داشتند و از آنجا که قادر نبودند علیرغم داشتن زمین به کشاورزی ادامه دهند، حق ریشه خود را ب مالکین واگذار کردند و خود مثل سابق یا از طریق سهم بری و یا از طریق اجاره بکشت و کار میبردانند. روستاهایی که میبایست نسق اول زراعی بنام آنها ثبت میشد بعلمت قدرت مالکین در روستا و تقسیم زمینهای مالکین بین وراث آنها و توافق بین مالکین و زارعین که در واقع بزور صورت گرفته بود عملاً "انجام نگرفت. و کماکان مالکین مثل گذشته با استفاده از کار مزدوری و سهم بری و اجاره، بتولید خود ادامه میدهند. این مناسبات در مورد کلیه مناطق عمده چایکاری و دامپروری و طوالش صادق است.

۲- روستاهایی که تنها دارای مالکیت کوچک (خرده مالکی) هستند. روستاهایی که در اثر اصلاحات ارضی مالک بزرگ ندارند و یا اگر قبلاً بوده‌اند چندان قدرتی نداشته و نتوانسته‌اند موقعیت قبلی خود را حفظ کنند.

۳- روستاهایی که ترکیبی از این دو میباشد: روستاهایی که قبلاً "خرده مالکی بوده و مالکان بزرگ ارضی هم داشته‌اند اینها بیشتر شامل دهات اطراف شهرها میشود.

در هر سه حالت فوق آن مالکین که بروسائیان از طریق زاندارمری و اصلاحات ارضی فشار آوردند نتوانسته‌اند مقدار زیادی زمین را همچنان حفظ کنند که اکثراً زیر

نیوده است و بی بصورت بی استعدادهای فقیر و کارگران کشاورزی به حواشی شهرها کوچ کرده‌اند و این مهاجرت همچنان ادامه دارد. مگر در نزدیکیهای شهر که بعلمت گرانی مسکن، روستائیان مهاجر به اطراف شهرها که شامل روستاها میشود برای ساختن آشیانه‌ای پناه میبرند.

باید اضافه کرد که عمده نیروی کارگری در منطقه گیلان که در صنایع مونتاژ یا سایر کارخانجات موجود در منطقه کار میکنند و عموماً "دارای بیش از ده کارگرند اهل روستاهای گیلان هستند که تعداد آنها در حال حاضر بیش از ۷۰ هزار نفر میباشد. اینها فقط کارگران صنعتی هستند. در حال حاضر اکثریت آنها بیکه در کارخانجات کار میکنند و مهاجرت میکنند اهل طوالش‌اند.

اصلاحات ارضی ترکیب قشری روستاها را بهم زده است بدین ترتیب که عمدتاً "در هر دهی بیش از سه تا چهار نفر دارای زندگی خوب نیستند. اینها در بیشتر روستاها همه گاره هستند. یعنی همه زمینهایشان را اجاره میدهند و با صاحبان اصلی دکاکین در روستاها هستند و اگر صنعتی در روستا وجود داشته باشد صاحبان اصلی، آنها هستند.

از طرف دیگر در منطقه طوالش همین ها سهم بری هم میکنند علاوه بر اینکه دارای کارگران مزدور بیشتر میباشند.

مناطق چایکاری از نظر سطح زیرکشت بعد از اصلاحات ارضی افزایش چشم گیری داشته و آنها بچند عامل اساسی نظیر آب، کود شیمیایی و ماشین آلات کشاورزی بستگی داشته‌است. علاوه بر اینها در هر روستایی مشاهده شده است علیرغم داشتن نسق زراعی خانواده کوچ کرده و هرگز ب روستا باز نگشته‌است. ضمناً "در بعضی از روستاها ملاکین سابق بخاطر بردن زمینهای مرتع بزیرکشت عملاً "از قبل بیشتر صاحب زمین شده‌اند.

در حال حاضر در منطقه گیلان بعلمت وجود سد سفید رود که از سال ۴۴ عملاً "آب آبیاری بخشهایی از روستاهای زیر سد را تا همین میکند از نظر آب منطقه فومنات و بطور کلی غرب گیلان با کمبود آب مواجه نشده است ولی گیلان شرقی نظیر لاهیجان و لنگرود و رودسر کماکان از نظر آبیاری در مضیقه بوده و در حال حاضر هم هستند.

از نظر شیوه تولید با گذشته فرق چندانی نکرده است بدین ترتیب که دهقانان ثروتمند و نیمه ثروتمند مجبور بوده و هستند از نیروی کار سایر کارگران استفاده کنند. بدین ترتیب در سابق نیز زنان کارگر مقادیری برنج و کفی پول میگرفتند. یعنی بازای یک فصل کار در حدود ۵۰۰ کیلو برنج

گیلان باستانهای فیبر رویال ضرر میدهند. و سایر کارخانجات چوب بری عملاً ورشکست شده‌اند. این کارخانجات مجموعاً "در حدود ده هزار کارگر را در بر میگیرند. در مورد کارخانجات چایسازی: این کارخانجات تا سال ۴۹ رشد صعودی داشته‌اند و از سال ۵۰ به بعد عملاً شروع به تعطیلشان کرده‌اند. بطور کلی در حال حاضر تنها کارخانجات ساخته شده از قبل با همان سیستم عقب افتاده بکار ادامه میدهند. این کارخانجات عمدتاً در لاهیجان قرار دارند. با افزایش تولید چای امسال کشاورزان عملاً با کمبود کارخانه بخصوص در بخش فومنات مواجه شده‌اند.

در مورد صنعت نوغان داری که یکی از صنایع اصیل کشاورزی منطقه بوده و سابقاً خانواده‌های کشاورز در منازل خود ابریشم کشی میکردند، در گذشته شامل چهار کارخانه بوده که یکی از آنها دولتی بود و در سال ۱۳۳۶ احداث شده و هنوز هم بکارش ادامه میدهد. البته با همان سیستم بسیار عقب افتاده گذشته، منتها در سال ۵۵ کارخانه جدیدی از ژاپن وارد شده که آنها هم ضحامت ابریشم تولیدی‌اش زیاد بوده و مورد مصرفی در بازار جهان ندارد. پس از سیر نزولی این صنعت تا سال ۵۳، از سال ۵۴ مجدداً چندین واحد بزرگ تولید نوغان در صومعه سرا و فومن و سیاهکل ایجاد شده و بسیاری از خانواده‌های کشاورزی مجدداً شروع بتولید کرده‌اند که در صورت ادامه کار و پشتیبانی دولت عملاً میتواند بیکي از صنایع مادر در منطقه تبدیل شود. این واحدهای تولیدی در صورت بحرکت در آوردن روستائیان قادرند نیروی عظیم کار را در روستاها ایجاد کنند. این واحدهای تولید مجموعاً "بیش از ده تن در سال محصول ابریشم تحویل صنعت کشور میدهند و اگر قادر باشد نخهایی که مورد نیاز صنایع فرش بافی ایران است تولید کند میتواند سریعاً رشد کند. بطور کل در این مجموعه‌ها بیش از دو هزار نفر کارگر مشغول کارند.

صنایع برنجکوبی:

این صنعت اصولاً بر مبنای تولید برنج میتواند رشد کند. در حال حاضر در هر روستا بنا بر احتیاجات آن روستا یکی از این کارخانجات وجود دارد که بین ۳ تا ۶ کارگر دارند علاوه بر این کارخانجات بزرگ تولیدی برنج در منطقه با بیش از ۲۰ کارگر نیز وجود دارد. تعداد دقیق کارگران شاغل و کارخانجات در دست نیست ولی صنعتی است که کلاً تمام مراحل آن باستانهای زراترها

در رابطه با مسائل مشخص مربوط به حل مساله زمین در ترکمن صحرا نکاتی بنظر ما میرسد که در زیر به آنها اشاره میکنیم:

۱- مساله اول چگونگی ارزیابی و تشخیص زمینهای غصب شده است. عموماً مالکین با توسل به مقامات دولتی و وابسته به دربار و در پاره‌ای موارد مستقیماً "زمینها را تصاحب کرده‌اند. ولی روش غصب زمینها یکسان و همگون نبوده و شیوه‌های مختلفی را در بر میگیرد.

از این شیوه‌ها برخی پوشیده‌تر و برخی دیگر بنحوی آشکار تری بوده است. دولت (و هیئت اعزامی) در این مورد باید با هوشیاری عمل کرده، سمت گیری اساسی آن بظور روشن احقاق حقوق پامال شده دهقانان ترکمن، وحدت با آنان و بر علیه ایدای رژیم سابق باشد.

در این بین نوک تیز حمله باید متوجه عناصری باشد که هر یک صدها و هزاران هکتار از اراضی دهقانان را بزور و بقیمت فقر و گرسنگی و بی خانمانی توده‌های زحمت کش ترکمن تصاحب کرده‌اند.

۲- مساله دوم سرعت عمل و قاطعیت در سلب مالکیت از غاصبین است. هم‌اکنون مقداری از این زمینها را دهقانان ترکمن مجدداً "به تصرف خود در آورده‌اند ولی بخش اعظم آن هم چنان در دست مالکین ارضی و وابسته به رژیم سابق است. نداشتن یک سیاست قاطع و یا اتلاف وقت موجب خواهد شد که این مالکین دست به توطئه زده و با استفاده از تضادهای موجود موجب بحرانهای تازه‌ای در این منطقه گردند.

به این گونه عناصر نباید هیچ‌گونه فرصتی برای تحریک و توطئه داده شود.

۳- مساله سوم چگونگی واگذاری و نحوه اداره زمینهای غصبی است که بسیار پیچیده

علیه شایعه پراگنی

شود - گروههای سیاسی و وسائل ارتباط جمعی باید نکات زیر را در نظر گیرند:

* مبارزه برای افشاء عناصر ناپاب، منحرفین یا حتی ضدانقلاب باید مبارزه‌ای سیاسی باشد، نه شخصی یعنی باید نظرات سیاسی فلان عنصر منحرف را مورد انتقاد و افشاء قرارداد و نه اینکه با ثابت کردن فساد و انحراف او کار را تمام شده تصور کرد. افشاء نشریه "آهنگر" بصورت وسیع و توده‌ای یک نمونه خوب این کار بود.

* افشاء گری‌های شخصی هم اگر انجام میشود باید مستند و با ذکر منابع اسناد و مدارک باشد تا ضد انقلاب نتواند از این کمبود برای خنثی کردن افشاء گری استفاده کند یا حتی خود مدرک سازی کرده و آب را

در ضمن بحسب معیاری در مورد این شرکت‌های تعاونی به کارهای عمرانی در روستاها (ایجاد مسکن، مدرسه، مسجد، حمام، جاده، و غیره) و بطور کلی در خدمت امور عام المنفعه در منطقه اختصاص یابد.

در مورد برخی از زمینها که متعلق به دهقانان چند روستاها مجاور بوده است نیز در صورت لزوم باید با تشکیل اتحادیه‌های دهقانی و تعاونی‌های کشاورزی مشترک بین چند روستا مساله را حل کرد.

نکته مهم دیگر در این زمینه چگونگی شرکت و میزان سهم دهقانان ترکمن و تعاونی‌های کشاورزی است که نباید به میزان زمینی که در گذشته داشته‌اند بستگی داشته باشد.

کلیه دهقانی که در تعاونی‌ها کار میکنند باید به نسبت عادلانه (با ضوابطی که تعیین میگردد) از محصول استفاده ببرند. لازم به تذکر است که عدم توجه کافی به حل درست این مساله موجب ایجاد تضادها و مشکلات فراوانی خواهد شد.

۴- مساله چهارم چگونگی حل مساله دهقانان مهاجر زابلی و بلوچ و غیره میباشد. هزاران خانوار از مردم سیستان و بلوچستان که در اثر فقر و برای تأمین حداقل زندگی مجبور به مهاجرت شده‌اند، در منطقه ترکمن صحرا زندگی میکنند. این دهقانان زحمت‌کش اکثراً "از سالها قبل بر روی زمین مالکین ارضی بزرگ مشغول بکار میباشند. برنامه دولت باید به نحوی باشد که با کوتاه شدن دست مالکین ارضی به حقوق این دهقانان رسیدگی شده و به همراه دهقانان ترکمن از سلطه و اجحافات مالکین ارضی رهایی یابند. ما در آینده نیز همچنان به بررسی مشخص تر مساله زمین در ترکمن صحرا خواهیم پرداخت.

گل آلود نماید.

* وسایل ارتباط جمعی باید اخبار و اطلاعات را همه جانبه و بطور صحیح گزارش دهند و همراه با جوانب مثبت، جوانب منفی را هم بگویند و در کنار آن دست به افشاء گری سیاسی علیه منحرفین و ضد انقلاب بزنند نه اینکه گزارشات یک طرفه پخش کنند و زمینه برای شایعه سازی ضد انقلاب و عدم اعتماد مردم بخود را آماده نمایند.

مبارزه با شایعه پراگنی و اتهام یک مبارزه اخلاقی نیست، یک مبارزه‌ی سیاسی است که اصول آن مسؤلیت و تعهد نسبت به انقلاب، در میان گذاشتن و نشر حقایق، افشاء گری و مبارزه سیاسی و کار مستند و دقیق در این زمینه است.

رویدادهای جهان



گزارشی از

قیام پادگان بالا حصار (کابل)

یک ماه قبل در پادگان "بالا حصار" کابل قیامی علیه رژیم وابسته به روس تره‌گی انجام گرفت. اخیراً طرفداران "گروه انقلابی خلقهای افغانستان" که یک گروه مارکسیستی-لنینیستی مستقل و ضد دو ابر قدرت امریکا و روسیه است، گزارشی کوتاه از این قیام را در خارج کشور منتشر کرده‌اند که متن آن از نظر شما می‌گذرد.

این خبر را با آنکه خبر گزاریهای جهان ساعتی بعد منتشر ساختند ولی از اصل و واقعیت مسئله چیزی نگفتند و ظاهراً "به نظر می‌رسید که در پادگان مذکور عده‌ای از افسران و سربازان مخالف علیه دولت به شورش برخاسته بودند یا کودتایی در کار بوده. اما حقیقت این بود که قیام در بالا حصار فقط بخشی از قیام در سر تا سر افغانستان به منظور بر انداختن رژیم تره‌گی وابسته به شوروی بشمار می‌رفت که از طرف "جبهه مبارزین مجاهد افغانستان" براه انداخته شد. این جبهه از چند سازمان ملی اسلامی و یک گروه چپ که دولت شوروی را غارتگر و امپریالیستی و چین را دولتی سوسیالیستی می‌داند - متشکل است و ریاست سیاسی جبهه را شخصی موسوم به دکتر فیض احمد به عهده دارد.

طبق نقشه جبهه مذکور باید یکشنبه ۱۴ اسد (مرداد) ۱۲ ظهر در کابل همزمان با آن در سایر ولایات (استانها) افراد جبهه در پادگانهای مختلف دست به قیام زده و با کسب قدرت در آنجا توده‌های مردم تحت رهبری جبهه را، مسلح بسازند و بدین گونه انقلاب تا نابودی کامل دولت وابسته تره‌گی ادامه یابد. ولی متأسفانه اثر خیانت سه تن از افراد جبهه به نام‌های سید محسن، محمد ابراهیم و محمدخان، رژیم از ساعت قیام خبر شده و یک روز قبل از قیام به دستگیری وسیع افراد نظامی و غیر نظامی ایکه مشکوک بودند یا بوسيله آن‌ها خائن لو داده شده بودند، شروع می‌نمایند و به این ترتیب به استثنای پادگان مهم بالا حصار سایر پادگانها نمی‌توانند حرکت کنند.

در جریان دستگیری‌ها رهبر سیاسی جبهه دکتر فیض احمد و مسئولان برجسته گروه‌های زیادی از مردم از

رنجیر

ماموریت تازه برای ناو شوروی

خبرگزاری آنا تولی - ۵ شهریور - امروز سه کشتی جنگی سنگین شوروی برای ورود به مدیترانه از تنگه‌های ترکیه گذشتند. هر سه کشتی رزمناو موشک انداز سی هزار تنی هستند.

در میان این سه کشتی ناوهلی کوپتربلر "مسکوا" دیده می‌شود که نظیرش در ناوگان امریکا وجود ندارد.

دولت شوروی معمولاً در مواقع بحرانی "مسکوا" را از دریای سیاه به ماموریت می‌فرستد، هنوز معلوم نیست این ۳ رزمناو پس از ورود به مدیترانه به کدام سو خواهند رفت ممکن است از کانال سوئز بگذرند و وارد آب‌های خاور میانه شوند، همچنین احتمال دارد از جبل الطارق عبور کنند و به اقیانوس اطلس و دریاهای وابسته بروند و نیز امکان دارد در مدیترانه باقی بمانند و به مراقبت از کشتی‌های ناوگان ششم امریکا بپردازند. افزایش بودجه دفاعی امریکا

آسوشیتد پرس - ۶ شهریور - مشاوران جیمی کارتر، رئیس جمهوری امریکا در گزارشی نوشته‌اند اگر بودجه دفاعی امریکا حدود ۴ میلیارد دلار افزایش یابد، امریکا می‌تواند بر تورم غلبه کند.

قبلاً قرار بود بودجه دفاعی امریکا هر سال سه در صد افزایش یابد. با این افزایش، بودجه دفاعی امریکا در سال مالی ۱۹۸۵ به ۱۲۲/۷ میلیارد دلار خواهد رسید. کنگره‌ی امریکا نسبت به افزایش بودجه دفاعی واکنش‌های متفاوتی داشته است. بعضی از سناتورها معتقدند که افزایش بودجه به خاطر قرار داد "سالت ۲" ضروری است، ولی عده‌ای دیگر معتقدند که بودجه دفاعی نباید افزایش یابد.

ارسال تانکهای "تی - ۷۲" روسی به سوریه

آسوشیتد پرس - ۲۴ مرداد منابع اطلاعاتی ایالات متحده اظهار می‌دارند دولت شوروی نوع جدیدی از تانکهای "تی - ۷۲" را به سوریه فرستاده است که خیلی قویتر و مدرنتر از تانکهای "ام-۶۰" هستند که امریکا به اسرائیل داده است.

تحلیل‌گران امریکائی مطمئن نیستند که آیا ارسال این تانکها آغازیست برای بالا بردن کار آبی نیروی تانک سوریه از طرف شوروی و یا اقدامی است محدود که برای یک بار صورت گرفته است.

ماه گذشته به هنگام تخلیه حدود ۵۰ تا ۶۰ تانک "تی - ۷۲" از یک کشتی روسی در بندر "لاذقیه" سوریه، دولت اسرائیل هیچگونه عکس العمل آشکاری از خود نشان نداد. منابع اطلاعاتی امریکائی می‌گویند، دولت سوریه تانکهای مذکور را به منطقه‌ای منتقل کرده است که از جبهه نیروهای

بودتصرف کرده و پس از اسیر کردن فرماندهان و کارکنان آن، کشتی را به آتش کشیدند.

جنگ نیروهای خمر سرخ با سربازان ویتنام

خبرگزاری فرانسه - ۲۸ مرداد - نیروهای خمرسرخ وفادار به "پل پت" رهبر برکنار شده کامپوچیا امروز ادعا کردند، در زدو خوردهای چریکی بین روزهای ۲۲ ژوئن تا ۱۴ ماه اوت جمعا ۸۵۹ تن از نیروهای نظامی ویتنام را کشته‌اند.

راديو دمکراتیک کامپوچیا گزارش داد، در جریان یک سری حملات شدید به نیروهای ویتنام، چهارده دهکده را که در کنترل ویتنامیها بود آزاد ساختند.

بگزارش همین راديو طی این مدت شانزده زدو خورد و درگیری در سراسر کامپوچیا، بویژه در بخش غربی کشور که گفته میشود نیروهای طرفدار "پل پت" برتری دارند روی داده است. در این زدو خوردها، جمعا ۱۵۲ قبضه اسلحه و مقداری مهمات به تصرف نیروهای وفادار به "پل پت" در آمد و ۵ خود روی نظامی نیز منهدم شد.

گفتگوی نخست وزیران دو یمن

خبرگزاری قطر - ۲۷ مرداد - روزنامه کویتی السیاسه گزارش داد که در آینده نزدیک نخست وزیران دو کشور جمهوری عربی یمن و جمهوری دموکراتیک یمن در منطقه مرزی دو کشور با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.

در این ملاقات اقداماتی که قبلاً در راه وحدت دو یمن صورت گرفته است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. دو کشور در ملاقات اخیر نمایندگانشان در کسویت، در مورد

افغانستان

خبرگزاری یونایتد پرس گزارش داد:

سرهنگ محمد سرور وابسته نظامی افغانستان در دهلی نو، به پاکستان رفت و از این کشور تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. وی که در کودتای نظامی آوریل ۱۹۷۸، فرمانده دسته چهارم زرهی مستقر در "پول چرخ" در کابل بود، عالی‌رتبه‌ترین افسر نظامی است که پس از این کودتا که منجر به روی کار آمدن نور محمد تره‌گی شد، به یک کشور خارجی پناهنده شده است.

همین خبرگزاری در ۲۸ مرداد نوشت: بحران افغانستان هر روز ابعاد گسترده‌تری بخود میگیرد و در اکثر نقاط این کشور جنگ با شدت ادامه دارد. گزارشهای

اقداماتی که باید برای وحدت دو یمن صورت گیرد به توافق رسیده‌اند.

در سال گذشته، هنگامی که رهبران دو یمن تصمیم داشتند برای وحدت کشورشان با هم ملاقات کنند، ابر قدرت شوروی که امر وحدت مستقل دو یمن را بر خلاف منافع امپریالیستی خود میدید با کودتا در یمن جنوبی و قتل سالم علی ربیع و ارسال بمبی توسط یک دیپلمات که منجر به قتل رئیس جمهور یمن شمالی گشت، برای مدتی مانع مذاکرات این دو کشور شد. لیکن خواست عمیق خلق یمن برای وحدت دو بخش این کشور برای ایجاد یمنی مستقل و متحد و غیر متعهد قوی و سد ناپذیر است.

استثمار کودکان در جهان

دبیر خانه سازمان بین المللی کار در ژنو اخیراً اعلام کرد که در حال حاضر قریب به ۵۲ میلیون کودک زیر پانزده سال، در شرایطی بسیار دشوار و طاقت فرسا در مقابل دستمزدی بسیار نازل، در کشورهای مختلف جهان مشغول به کار هستند.

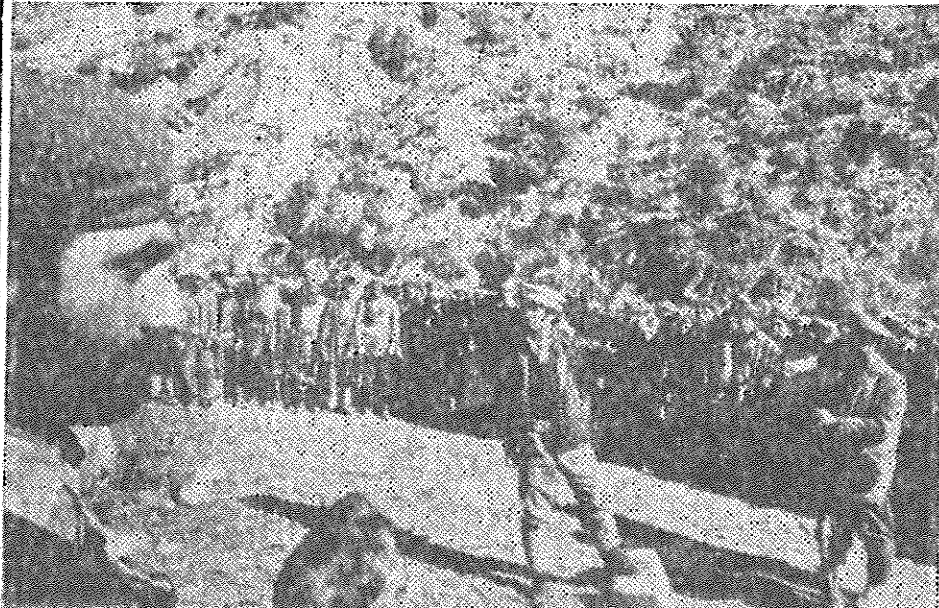
بر اساس همین گزارش تنها در کلمبو (از کشورهای امریکای لاتین) ۳ میلیون کودک در معادن بکار گرفته شده‌اند، مادنی که فاقد هر گونه وسایل ایمنی و تجهیزات برای پیش گیری از حوادث هستند.

آمار مذکور گر چه هنوز بیانگر کامل و واقعی تعداد کودکان مشغول به کارهای شاق در سراسر جهان نیست، اما خود گواهی است بر استثمار شدید کودکان جهان به ویژه در کشورهای جنوب شرقی آسیا و امریکای لاتین.

رسیده از افغانستان به اسلام آباد حاکی است که هواپیماهای جنگنده ساخت شوروی روستاهای غربی شهر کابل را بمباران کرده‌اند. در این حمله، دهها غیر نظامی، از جمله

چندین زن و کودک کشته شدند. مبارزان مسلمان نیز طرف چند روز اخیر به پیروزیهای در افغانستان دست یافتند و از جمله در قسمتی از استان پختیا، یک دولت اسلامی تشکیل دادند. آنها ضمناً راهبانی را که از ایالت بامیان به کابل ختم میشود بسته‌اند و خود را آماده تصرف مرکز این ایالت میکنند. یک گروه از مسلمانان مبارز دیروز اعلام کرد، در دو جنگ در قندهار بر نیروهای دولتی پیروز شده است و بزودی منطقه قندهار را بطور کامل آزاد خواهد کرد.

گزارشهای دیگر حاکی است که شورشیان، شهر گردیز، مرکز ایالت پختیا و یک پادگان در شهرستان ارغون در همین ایالت محاصره کرده‌اند.



تجمع مجاهدین افغانی دریکی از مناطق آزاد شده

نداد. منابع اطلاعاتی امریکائی می گویند دولت سوریه تانکهای مذکور را به منطقه ای منتقل کرده است که از جیبه نیرو های اسرائیلی خیلی دور است. این منابع که حاضر به افشای نام خود نشده اند، بر آورد کرده اند که هم اکنون حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ تکنیسین سوری برای حفظ و نگهداری تانکهای مذکور در مسکو تحت تعلیم هستند.

جهان سوم

مبارزه خلق اریتره بر علیه تجاوزگران اتیوپی ادامه دارد

خبرگزاری آسوشیتدپرس - ۵ شهریور یک گروه شورشی اریتره ادعا کردند که یک کشتی تجاری اتیوپی را تصرف کرده و آتش زده اند.

دفتر جیبه آزادیبخش خلق اریتره در رم اظهار داشت، رزمندگان اریتره ای ۵ روز قبل کشتی مذکور را که به سوی یمن در حرکت

آنگدر عیان اند که مردم هیچ ارزی به حرفهای رژیم قائل نبوده و آنها را جدی نمی گیرند. گروه های زیادی از مردم از "جیبه مبارزین مجاهد افغانستان" و برنامه آن آگاه هستند و هم بسیاری از کشته شدگان و اسیران بین عوام و بخصوصی روشنفکران، مبارزین صادق و معروفی بشمار میروند. شکست قیام (۱۴) مرداد کینه و عزم توده ها را جهت سرنگونی رژیم جنایتکار تره کی افزونتر ساخته است.

کنند. در جریان دستگیری ها رهبر سیاسی جیبه دکتر فیض احمد و مسئولان برجسته دیگر جیبه محمد داود، محمد محسن، عبدالجبار، سید داود، عبدالغفور و محمد نعیم و چندین تن دیگر به دام میافتند. تا کنون تعداد تمام کشته شدگان و اسیران به طور دقیق معلوم نیست ولی یقیناً به بیش از صد نفر بالغ می شود. دستگیر شدگان بلا فاصله زیر شدیدترین شکنجه ها

دو ابر قدرت

مانور بزرگ امریکا در دریای شرقی چین

دریای شرقی چین بر گزار می کنند. در این مانور، ناوگان هفتم امریکا و نیروهای زمینی، دریایی که دارای قدرت پیاده شدن در ساحل و عملیات کوماندوپی هستند، شرکت دارند. در این مانورها، در حالی که نیروی ضربتی ناوگان هفتم پیاده شدن به ساحل را تمرین می کنند، کشتی های جنگی به مبارزه با هواپیما، کشتی ها و زیر دریایی های دشمن فرضی می پردازند.

خبرگزاری فرانسه - ۲۳ مرداد ارتش امریکا از روز شنبه آینده به مدت دو هفته، یک مانور بزرگ زمینی و دریایی با شرکت حدود ۴۰۰۰۰ سرباز، ۲۰ کشتی جنگی و ۲۸۰ هواپیما در جزیره اوکیناوا واقع در

دمکرات و جلوگیری کردن از سوء استفاده او از این مسائل برای اجرای توطئه های ضد انقلابی خویش و امپریالیسم روس است.

از این روست که می بینیم رهبران چریکهای فدائی به جای ارائه راه حل صحیح و ضد امپریالیستی برای مسائل کردستان، با نشان دادن ستم ملی و استثمار فئودالی به توجیه خیانتها و سیاستهای ضد ملی رهبران حزب دمکرات می پردازند.

در نتیجه، خط مشی سیاسی رهبری چریکهای فدائی در مورد مسئله کردستان با تمام انقلابی نمائی و سنگ دفاع از خلسق کرد را به سینه زدن - فریفتن خلق کرد و کشاندن او و مبارزه اش به زیر پرچم رهبران خائن و وابسته به روس حزب دمکرات و تبدیل جنبش ملی و دهقانی خلق کرد به متابه ابزار سیاستهای امپریالیستی روسیه در کردستان و خاور میانه است.

از مدافعین امپریالیسم روسیه انتظار بیشتری هم نمی رود که به صورت توجیه گران مزدوران امپریالیسم روس در کردستان در آیند و جنبش خلق کرد را به عوض سمت دادن به سوی وحدت با سایر خلقهای ایران و مبارزه متحد ضد امپریالیستی، به صورت بازیچه و مهره نقشه های امپریالیستها در منطقه در آورند و به خلق کرد با چهره ای چپ نما و انقلابی نما، خیانت کنند.

کدام حزب دمکرات را قبول ندارند. ما معتقدیم ادامه همین سیاست و همین تبلیغات است که راه حل سیاسی مسئله کردستان را به راه حل نظامی کشانیده است. آنان که چنین تصور می کنند بهتر است به کردستان بروند و از نزدیک واقعیت را به چشم خود ببینند. اگر از آراء خلق کرد می پرسید آنها رای خود را به حزب دمکرات کردستان دادند و اگر نظر خلق کرد را در مورد نمایندگانش محترم نمی شمارید آن مسئله ای دیگر است. چنانچه واقع بین باشیم، چنانچه به حقایق گردن نهیم باید بپذیریم که توده خلق کرد به سازمانهای انقلابی خود اعتقاد دارند و آنان را نماینده خود می شمارند."

تمام کوشش انقلابیون راستین این بوده است که رهبری حزب دمکرات را از جنبشهای دهقانی و ملی کرد منفرد کنند و اجازه ندهند که رهبران خائن این حزب به بهانه دفاع از حقوق ملی و دهقانی خلق کرد، توده ی کرد را فریب دهند.

اما رهبری چریکهای فدائی در بیانیه ی خویش درست بر عکس، فعالیت های ضد انقلابی رهبری حزب دمکرات را به علت وجود مسئله ملی و دهقانی در کردستان و فعالیت های ضد انقلابی فئودالها توجیه میکند، گویا تنها راه مقابله با فئودالها و ستمگران ملی دست به دامن حزب دمکرات شدن است. در حالی که کوشش انقلابیون راستین گذاشتن راه حل مستقل و انقلابی برای حل مسائل دهقانی و ملی کردستان و منفرد کردن حزب

چریکهای فدائی، رهبری کنونی حزب دمکرات کردستان به عنوان نماینده سیاسی خلق کرد معرفی می شود و به دولت موقت و شورای انقلاب توصیه می شود که قاسملو ها را به رسمیت بشناسند و با آنها به مذاکره بنشینند! آیا این خیانت به خلق کرد و انقلاب نیست؟ از یکسوم مزدوران امپریالیسم روس را نمایندگانش خلق کرد معرفی می کنند و از سوی دیگر انقلاب را دعوت به مذاکره با توطئه گران وابسته به امپریالیسم روس می کنند.

تمام کوشش انقلابیون راستین آن است که حساب دار و دسته خائن حزب دمکرات را از حساب جنبش به حق خلق کرد جدا کنند. اما رهبری چریکهای فدائی در بیانیه خود درست روی جوش دادن رهبری حزب دمکرات با خلق کرد یا فشاری می کند و اصرار دارد که صف ضد انقلاب را با صف خلق کرد یکی بنمایاند.

آنها در بیانیه خویش می نویسند: "این روزها در هر گوشه از ایران می شنویم که مبارزه وسیعی را علیه حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی خلق کرد سازمان داده اند. هسته اصلی این مبارزه جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز آنست. این روزها این طور تبلیغ می شود که گویا آراء مردم به سود حزب دمکرات در انتخابات مجلس خیرگان نتیجه تحمیل و فشار اسلحه بوده است و دهقانان کرد هیچ

جاسوسان امپریالیسم روس که از سالها پیش در پی فرمان دار و دسته کبیته مرکزی حزب توده که در "مردم" شماره ۱۵۰۱۵۰

دی ماه ۱۳۵۴ نیز آشکارا دستور احیاء حزب دمکرات را به اعضاء خود داده بود (رجوع کنید به رنجبر شماره ۲۳ مقاله دار و دسته کیانوری و حزب دمکرات) به درون صفوف خلق کرد خزیدند و اکنون رهبری حزب دمکرات را قبضه کرده اند و از قبل، در بهمن ماه، برای کسب تکلیف و برنامه ریزی این توطئه به نزد آریابان روس خود به برلن شرقی (آلمان شرقی) روان شدند (رجوع شود به رنجبر ۲۴ مقاله حزب دمکرات و توطئه های ضد انقلابی).

در نتیجه احقاق حقوق حقه خلق کرد بدون پاکسازی این عناصر ارتجاعی و وابسته که باید سرکوب شوند امکان پذیر نیست زیرا که خود مختاری در زیر رهبری یک حزب وابسته به امپریالیست (حزب دمکرات) به هیچ وجه به معنای احقاق حقوق خلق کرد نیست اینجاست که دست رهبری چریکهای فدائی بعنوان مدافعین امپریالیسم روس بساز می شود، آنها در بیانیه ی خویش می گویند سرکوب ضد انقلاب را متوقف کنید. آیا این دفاع از عوامل امپریالیسم و ارتجاعیون منطقه نیست؟ آیا خلق کرد بدون پاکسازی کردستان از این مزدوران دو ابر قدرت می تواند به حقوق خویش دست یابد؟ به نظر ما هرگز.

در بیانیه های حزب توده و سازمان

چریکهای فدائی...

خلق، میان انقلاب و عوامل امپریالیسم است. شیوه حل این تضاد قهر آمیزست و با توسل به زور حل می شود. "ضد خلق باید توسط خلق سرکوب شود، انقلاب باید عوامل امپریالیسم را در هم کوبد تا این تضاد حل شود.

گروه دوم تضادهای میان دولت مرکزی و خلق کرد است. حلقه مرکزی این تضاد را مسئله ارضی و مسئله ملی خلق کرد تشکیل می دهد و باید از راه سالمت آمیز، با وحدت میان دولت مرکزی و خلق کرد، این تضاد گام به گام و به طور سالمت آمیز حل شود. ویژگی و خصوصیت اوضاع کنونی در

منطقه کردستان دقیقاً قاطی شدن این دو تضاد است. امروز عوامل امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت امریکا و روسیه با سوء استفاده از مسائل ملی و دهقانی خلق کرد مودیان به درون صفوف خلق کرد درخنده کرده اند و سنگ پشتیبانی از حقوق حقه خلق کرد را به سینه می زنند.

ایادی امپریالیسم امریکا و بقایای ساواک (پالیزبان ها و غیره) "مدافع" خلق کرد گشته اند. آنها لباس کردی بر تن کرده اند تا با استفاده از خلق کرد، دولت موقت و انقلاب را تضعیف کنند و در راه بهروری اش مانع ایجاد کنند.

شوروی

نایاگازتا در شماره ۲۳ سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) خود می نویسد: " شخصی بنام گروپاتنگو از طریق تقلب وجعل پایان نامه و دادن رشوه خود را دکتر در رشته اقتصاد جازدو وقتی مقام استادی را بدست آورد یک آکادمی در زیر نظر خودش تشکیل داد. این آکادمی در ظرف مدت سه سال به ۲۳ نفر درجه دکترا اعطاء نمود. مجله " سپیده شرق " در زمستان ۱۳۵۱ (شماره ۲۸ فوریه ۱۹۷۳) خود نوشت که در اتحاد شوروی فروش پستهای دولتی بصورت یک سنت درآمده است و " متقلبین و عناصر فاسد و باج بگیرها از راههای غیر قانونی بطور وسیعی در ارگانهای رهبری دولتی جای گرفته اند ". همین نشریه در بهار سال ۱۳۵۴ (۱۵ ماه مه ۱۹۷۵) نوشت که بعضی از سازمانهای حزبی و اقتصادی شوروی از کسانیکه دارای سابقه جزائی فساد و رشوه گیری هستند پر شده اند . "

گسترش فحشاء یکی دیگر از نمونه های رشد و سیع فساد در اتحاد شوروی است . یک مجله بلژیکی در تابستان ۱۳۵۳ (ژوئن ۱۹۷۴) با یکی از مقامات وزارت داخله شوروی مصاحبه نمود . بر طبق نوشته این مجله شخصیت وزارت داخله شوروی تأیید نمود که فحشاء در شوروی شدیداً رو بتوسعه است بنا بگفته این شخص در شهر لنینگراد بتنهائی ۱۶۰۰۰۰ فاحشه وجود دارد . علاوه بر اینها ، کلونهای شبانه میخانه ها و فاحشه خانه های بسیاری در شهر های مسکو و کیف و دیگر شهرهای بزرگ شوروی بوجود آمده اند باگسترش فحشاء امراض جنسی نیز در شوروی بشدت رواج یافته است . چندی پیش یک مجله فرانسوی پیرامون اوضاع جامعه شوروی گزارشی تهیه کرده بود با اشاره به رشد فحشاء در شوروی نوشت که " شبها در جاده ها معامله گری برای فحشاء زیر نظر و با پشتیبانی پلیس انجام میگردد . "

یکی دیگر از نمونه های رشد فساد در شوروی اعتیاد به مشروبات الکلی (الکلیسم) است . البته مصرف مشروبات الکلی در شوروی چیز جدیدی نیست . از قرنهای پیش بعلت فقر شکننده و ستمگریهای وحشیانه فئودالها و درباریان تزاری در روسیه ، توده های وسیع مردم شوروی چه در شهر و چه در روستا الکل را یک راه فرار از سختی وحشتناک زندگی یافته بودند . مصرف مشروبات الکلی بنا براین در موقع بحکومت رسیدن طبقه کارگر در شوروی در سطح بسیار بالائی قرار داشت . یکی از اولین مسائلی که کمونیستها به رهبری لنین و استالین در صدد حل آن برآمدند همین مسئله الکلیسم مفرط در شوروی بود . آمار رسمی نشان میدهد که حزب کمونیست با بسیج توده ی زحمتکشان شوروی موفق شده بود در طی سی و سه سال یعنی بین سالهای ۱۳۲۹ - ۱۲۹۶ (۱۹۵۰ - ۱۹۱۷) قدمهای بسیار بلندی در جهت حل این مسئله عمیق اجتماعی که قرنهای در روسیه وجود داشت بردارد . طبق آمار موجود مصرف سرانه مشروبات الکلی در سال ۱۲۸۹ (۱۹۱۰) در روسیه تزاری ۲/۴۱ لیتر در سال بود . این رقم در سال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷) به ۲/۸ لیتر در سال و در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) یعنی در اواخر زندگی استالین به ۱/۸۵ لیتر در سال یعنی نزدیک به نصف مصرف الکل در دوره سلطنت آخرین تزار در روسیه رسید . ولی بعد از مرگ استالین و بقدرت رسیدن رویزیونیستها در شوروی الکلیسم بار دیگر در شوروی توسعه یافت طبق بررسی های آقای دیوید پاول که کتابی در این رابطه نوشته است در شوروی مصرف ودکا ، شراب و آبجو در بین سال ۱۳۲۹ و ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ - ۱۹۵۰) دو برابر شده و بین سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۳۹ نزدیک به ۵۰ درصد دیگر افزایش یافت . باین طریق مصرف سرانه الکل در شوروی در سال ۱۳۴۵ در حدود ۵۰ درصد بیش از مصرف سرانه الکل در دوره تزار نیکلای دوم است . فردریک انگلس دوست و همکار نزدیک مارکس در کتاب مشهور خود بنام وضع زندگی طبقه کارگر در انگلیس یکبار نوشت که " کارگر بیش از هر چیز باین خاطر به الکل پناه میبرد که از رنج و تعب زندگی روزانه اش زیر ستم سرمایه داری بگریزد . . . او باید چیزی داشته باشد که بتواند با تکیه بان دورنمای کار روز بعد را تحمل پذیر بکند . . . او میگوید تا باین طریق یکی دو ساعت را با فراموش کردن مذلت و فشار زندگی در آرامش بگذراند . . . امروزه در شوروی یک خانواده کارگر متوسط ۹۳ روبل در سال را صرف نوشیدن مشروبات الکلی میکند که این مبلغ از مجموع مخارج این خانواده کارگری برای رفتن به سینما و تئاتر ، خرید روزنامه و کتاب و سایر مخارجی که برای امور آموزشی و فرهنگی بیشتر است . مقدار مصرف سرانه شراب در سال در حدود دو برابر مصرف در ایالت متحده آمریکا است . سالانه ۱۳ میلیارد روبل خرج تولید ودکا میشود و هر سال ۶ تا ۷ میلیون نفر بجرم بد مستی توقیف میشوند . کارخانه های شوروی هر سال صدها هزار مورد غیبت و از کار افتادگی کارگران را که دلیلش مشروب خوردن بیش از حد بوده است گزارش میدهند . در یک کارخانه در شهر مسکو بعد از یک بررسی در اینباره گزارش شده است که از میان ۴۱۰ کارگری که در این کارخانه مشغول کارند ۲۱۸ نفر آنها اغلب بصورت نیمه مست به کارخانه می آیند بطوریکه تا مدتی قدرت کار کردن ندارند . تعداد پسران و دختران جوانی که به الکل معتادند روز بروز افزایش مییابد طبق نوشته نشریه " لیترا تور نایاگازتا " در پائیز سال ۱۳۵۴ (۱۵ اکتبر ۱۹۷۵) ۷۵ درصد شاگردان کلاس هشتم دبیرستان ، ۸۰ درصد شاگردان کلاس نهم و ۹۵ درصد شاگردان کلاسهای دهم شوروی مشروبات الکلی مصرف میکنند .

یادداشت‌هایی از...

کردند . و اکنون مضمون سیاسی وحدت کلمه در ادامه و تعمیق انقلاب و مبارزه علیه دو ابر قدرت شوروی و امریکا و عمال آنان باید ادامه داشته باشد . اختلافات ایدئولوژیک را هم در آینده می توانیم به طور مسالمت آمیز حل کنیم و آنچه در آینده ممکن است باعث اختلاف شود اکنون نباید به جدائی و رو در روئی و تقابل بین ما کمک کند .

بحث نا تمام می ماند . ما را به طبقه دوم می برند . یکی از کلاسها را خالی میکنند و ما را اسکان می دهند . هنگامی که تلاشی می کنیم تا باب گفتگو را با پاسدار شب باز کنیم ، سر پاسدار به طور خشنی از گفتگوی ما جلوگیری به عمل آورده و ما را مجبور میکند که به اطاق خود برویم .

سحر با صدای اذان صبح بیدار میشویم به پایین می رویم تا سر و صورتی تازه کنیم . در دستشویی پاسداری را می بینیم که در حالی که تفنگش را بر دوش دارد به شستن دست و صورت خود مشغول است . پاسداران و زندانیان دیگر نیز به تدریج از خواب بیدار شده و به دستشویی می آیند . دستشویی اکنون کاملاً شلوغ است . پاسداران و زندانیان در هم رفته اند و دیگر تفاوتی بین آنان مشهود نیست جز لوله سیاه ز - ۳ که از بالای دوش پاسداران دیده می شود .

به طبقه دوم بر می گردیم . زندانیان روی بالکن به زمین نشسته اند و باهم صحبت می کنند . با آنها قاطبی شده و باب صحبت را باز می کنیم . همه از زحمتکشان خلق عرب به نظر می آیند . از ما می پرسند که اتهام ما چیست . ما جواب می دهیم که از سازمان انقلابی هستیم . جوانی سازمان را می شناسد و می گوید که از شماها قبلانی اینجا بوده اند . حدود یک هفته زندانی بودند و بعد آزاد شدند . سپس ما سئوال می کنیم که اتهامات آنها چیست . جوان جواب می دهد اتهام من داشتن اسلحه ، تحریک علیه دولت و پخش نشریه است . اتهامات بقیه نیز اغلب داشتن اسلحه ، خرید و فروش اسلحه و یا قاچاق اسلحه است .

هنگام صبحانه هر زندانی جیره خود و چند نفر دیگر را می گیرد . رفتار زندانیان با ما بسیار صمیمانه و دوستانه است . پیرمرد هفتاد و چند ساله ای از جای خود صرف نظر می کند و آن را با اصرار زیاد به ما میدهد . (جای را معمولاً خود زندانیان درست میکنند) .

هنگام صرف صبحانه و بعد از آن درد دل های زندانیان شروع می شود . آنان از عدم آگاهی از علت دستگیری شان از اینکه مثلاً فلان قاچاقچی اسلحه تلویزیونش را به آنان داده تا تعمیر کنند و بدین علت دستگیر شده اند ، از اینکه مدت هاست اینجا هستند و تکلیفشان معلوم نیست ناراحت ، ناراضی و دلخورند . پیرمردی که لیوان چایش را به ما داده بود می گفت سه بار شبانه به خانه ما آمدند و

شاید به دنبال عزیزان خود می گشتند . هنگام صبح فرصتی دست داد تا با سر پاسداری که ما را جلب کرده بود صحبت کنیم . سر پاسدار به ما بسیار بدبین است تند خوئی او نیز ناشی از این بد بینی است . از گذشته سازمان و دفاع قاطع آن از امام خمینی در ۱۵ خرداد صحبت می کنیم و نیز از شرکت فعال در جنبش کنونی و دفاع از جمهوری اسلامی نه مزورانه چون حزب توده بلکه صادقانه و صمیمانه زیرا جنبش خلق زحمتکش ماست . زیرا هر چقدر این انقلاب عمیق تر و گسترده تر شود امکان سوءاستفاده بر قدرتها کمتر و پایه های استقلال و آزادی و رفاه زحمتکشان محکم تر خواهد شد . باومی گوئیم ما هرگز ایدئولوژی خود را پنهان نمی کنیم ولی نباید به ما بدبین باشد ، ما مدافع انقلاب هستیم . سر پاسدار در آخر آرزوی آزادی هر چه زودتر ما را می کند .

قبل از نماز جمعه با باز پرس گفتگویی کوتاه داریم . باز پرس صاف و صادق و صمیمی است می گوید که پاسداران اسناد و اعلامیه ها و گزارش های دست نویس شما را مطالعه کرده اند و نظر داده اند که اینجا و آنجا مطالب تحریک آمیز نوشته اید ، و از این رو با اینکه سازمان شما را می شناسم تصمیم دارم این اسناد را خود نیز مطالعه کنم .

از اطاق باز پرس بیرون می آئیم . زندانیان نظر خوبی نسبت به او دارند . ولی معتقدند که یک باز پرس برای این هم زندانی کم است و این را دلیل کند بودن باز جوئی و معطل شدن زندانیان می دانند . و می گویند آیا انصاف است که ما هفته ها و یا ماهها این جا بدون تکلیف بمانیم و هیچکس به دردمان توجه نکند . آخر ما زن و بچه و خانواده و زندگی داریم چرا تر و خشک را با هم می سوزانند ؟

بعد از ظهر دستشویی ها کاملاً شلوغ است . همه برای فرار از گرما آمده اند دوش بگیرند . پاسدار و زندانی با هم درهم آمیخته اند . پاسداری روی زمین نشسته و لباسهایش را در یک طشت پلاستیکی می شویند . کمی تایید از او قرض می کنیم تا دستهایمان را بشویم . گرما ما را کلافه کرده است . لخت می شویم که دوش بگیریم . معاون زندان سر می رسد . وقتی می بیند آماده دوش گرفتن هستیم با خوشروئی می گوید : دوش اول فشارش از همه بیشتر است .

بعد از ظهر یک پاسدار روزنامه " پاسداران " ، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را می فروشد ، یکی از او می خریم و می پرسیم روزنامه اطلاعات ندارید . یکی از زندانیان جواب می دهد اینجا فقط روزنامه پاسداران و روزنامه انقلاب اسلامی پیدا می شود . مقاله کردستان روزنامه " پاسداران " نظرم را جلب می کند . سر مقاله تحلیل خوبی از " وحدت کلمه " و نپرداختن به مسائل کوچک و مبارزه علیه ابر قدرتها به عنوان دشمن عمده دارد .

ارتش را به کردستان تأیید می کنیم ؟ جواب می دهیم که مسئله کردستان از نظر ما مسئله داخلی نیست ، بلکه توطئه های امپریالیستها به ویژه ابر قدرت شوروی است . امپریالیسم روس خواهان تجزیه کردستان است و حزب دمکرات کردستان وسیله این تجزیه در زیر پرچم خود مختاری است . ارتش ملی وظیفه دفاع از تمامیت ارضی کشور را دارد ، پس باید در سرکوبی سران وابسته حزب و جلوگیری از تجزیه ایران اقدام نماید . برادر ناصر می پرسد پس چرا قبلا در رژیم شاه مداخله ارتش را در مورد داخلی محکوم می کردید . جواب می دهیم ما هم اکنون هم مداخله ارتش را در مورد امور داخلی محکوم می کنیم . مثلاً " اگر در تظاهرات " آیدگان " که توسط عده های دمکرات نما و چپ نمابر علیه دولت پراه انداخته شد ارتش مداخله می کرد و عده های را سرکوب می کرد ما ارتش را شدیداً " محکوم می کردیم . زیرا دخالت ارتش در امور داخلی و اختلافات بین نیروهای خلقی بهیچ وجه صحیح نیست ، ولی در کردستان مسئله نوع دیگری است ، آنجا مسئله تجزیه ایران توسط امپریالیسم روس است . مسئله بین خلق و ضد خلق است و ارتش طبیعی است که باید در طرف خلق بایستد . برادر ناصر نگران بی اعتمادی توده های عرب نسبت به سپاه پاسداران است . او می گوید هر کجا که می رویم فقر و محرومیت و بی فرهنگی بیداد می کند . ما برای روستاها آب می بریم ولی روستائیان عرب ما را پذیرا نیستند . از ما می ترسند و می گویند مادر آب زهر ریخته ایم . چرا اینان کمک ما را قبول نمی کنند . ما می گوئیم مسئله اصلی آگاه کردن توده ها است . توده ها باید آنقدر آگاه بشوند تا بتوانند خود در تعیین سرنوشت خویش شرکت مستقیم داشته باشند . آنگاه خود همه مسائل خویش را حل می کنند . ما سعی کرده ایم با آگاهی توده ها لزوم ادامه انقلاب و تعمیق و گسترده تر کردن آن را نشان دهیم . و لزوم اتحاد همه نیروهای خلقی بر علیه ابر قدرتهای امریکا و روسیه و کار گزاران داخلی آنان را تبلیغ کنیم . از این جهت این عمل شما به هیچ وجه به نفع انقلاب نیست . شما عملاً از فصالت سه نفر در راه انقلاب جلوگیری کرده اید .

مشکل اساسی پاسداران در منطقه غیر بومی بودن آنان است و مشکل اساسی از آنجا ناشی می شود که به خلق عرب حق تعیین سرنوشت خود ، حق اداره خویش به دست جوانان برومند خلق عرب ، حق دفاع از انقلاب اسلامی ، حق سرکوب تجاوز کاران و توطئه گران و حق برابری خلق عرب با خلقهای ایران و حق شکوفا شدن ، رشد کردن ، حق از بین بردن فقر و محرومیت و بی فرهنگی داده نمی شود . و این از بی اعتمادی عمومی دولت نسبت به مردم ناشی می شود . دولت باید به توده ها ، همه ملت با

جوانی که به الکل معتادند روز بروز افزایش مییابد طبق نوشته نشریه "لیتراتور نایاگازتا" در پائیز سال ۱۳۵۴ (۱۵ اکتبر ۱۹۷۵) ۷۵ درصد شاگردان کلاس هشتم دبیرستان، ۸۰ درصد شاگردان کلاس نهم و ۹۵ درصد شاگردان کلاسهای دهم شوروی مشروبات الکلی مصرف میکنند.

از دیگر مظاهر فساد در شوروی توسعه مصرف مواد مخدر است. مصرف این مواد بخصوص در جمهوریهای آسیای شوروی بطرز وحشتناکی توسعه یافته است. این مسئله بخصوص در میان نسل جوان شوروی شیوع فراوان پیدا کرده است. طبق گفته "صدر مجمع وزیران جمهوری گرجستان اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان اتحاد شوروی بیک مشکل عمومی مبدل شده است (نشریه زاریا وستک، شماره ۱۵ ژوئن ۱۹۷۵). از آنجا که مصرف مواد مخدر در کشور زیاد شده شبکههای وسیعی نیز برای تولید این مواد و پخش آن در سرتاسر کشور ایجاد شدهاند. بعنوان مثال روزنامه "صنعت سوسیالیستی" در تابستان ۱۳۵۱ (۶ اوت ۱۹۷۲) نوشت که رئیس یک باند قاچاق مورفین در قزاقستان از یک کارخانه داروسازی مقدار زیادی مورفین را بسرقت برده است و در سرتاسر کشور برای مصرف معتادین بفروش رسانیده است.

میزان جنایت نیز روز بروز در شوروی بیشتر میشود و این جنایات بیشتر بدست جوانان شوروی انجام میگردد. در حدود ۵۰ تا ۸۰ درصد این جنایات بطور دسته جمعی و توسط دستهها و گروههایی که جوانان تشکیل میدهند انجام میگیرند. روزنامه "پراودا" در تابستان ۱۳۵۰ (۲ ژوئن ۱۹۷۱) اعتراف کرد که شبها کوچهها پر از اوپاشانی است که قسمت اعظم آنها را جوانان تشکیل میدهند. مجله "کمونست جوان" خبر داد که یک باند جنایتکار که در بالاشوف از منطقه ساراتوا تشکیل شده دست به یک رشته دزدیها و چپاول و جنایت زده است. افراد این باند با یکدیگر "پیوند خونی" ایجاد کرده بودند. در خارکوف هم یک باند از جوانان به سرقت درخانهها، تجارت مواد مخدر و قتل میرداختهاند. در کاراکندا یکی از همین باندهای جنایتکار جوانان در یک شب مرتکب ۷ قتل گردید.

توسعه وحشتناک فساد در شوروی نتیجه اجتناب ناپذیر احیاء همه جانبه سرمایه داری در این کشور است. در چند سال اخیر دار و دسته خائن کاسیکین - برژنف با اصطلاح خودشان برای جلوگیری از فحشاء، انتشار امراض جنسی، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی و سایر مظاهر فساد تدابیری اتخاذ کردهاند که آنرا "تجدید تربیت از طریق کار" نام دادهاند. اما این اقدامات که نظیر آن در کشورهای بزرگ امپریالیستی نظیر آمریکا هم مکرر در مکرر انجام میشود و هیچوقت نتیجه چندانی از آن گرفته نمیشود در شوروی نیز نخواهد توانست تأثیر چندانی بگذارد. اینها تنها مانورهای انحرافی هستند که امپریالیستها برای فریب تودهها و از ترس سست شدن پایههای حکومتشان انجام میدهند و تا زمانیکه سیستم سرمایه داری در شوروی واژگون نشده است فساد همه جانبه همچنان رو به توسعه خواهد بود.

از اینک مدتهاست اینجا هستند و تخلیفات معلوم نیست ناراحت، ناراضی و دلخورند. پیرمردی که لیوان چایش را به ما داده بود می گفت سه بار شبانه به خانه ما آمدند و بالاخره بار چهارم مرا دستگیر کردند، آنها هم به جرم داشتن اسلحههای که وجود نداشت. جوانی دیگر می گفت مرا با چند نفر دیگر گرفتند. سه نفر را بعد از چند ساعتی تحقیق اعدام کردند. و من از ترس به دروغ اعتراف کردم که تروپستها به زور و تهدید به من اسلحه دادهاند و من هم بعد از تحویل اسلحه آن را دور انداختهام. ولی خدا شاهد است که اعتراف دروغ کردم تا شاید نجات پیدا کنم. زندانی دیگری می گفت من ۴۵ روز است که اینجا هستم و هنوز تکلیفم معلوم نیست.

جمعه روز ملاقاتی زندانیان است. ما از روی بالکن صف طویل خانواده زندانیان را که به ملاقاتی آمده بودند دیدیم. هرده نفر زندانیان با هم برای ملاقات خانوادههایشان به سالن ملاقات میروند. زندانیان که از ملاقات خانوادههایشان باز میگردند دستهایشان پر از میوه و خوراکی است. بعضی از آنان فرزندان کوچکشان را با خود می آورند. پاسداران در حمل بار زندانیان به آنان کمک میکردند. پاسدارانی را می بینیم که تفنگ بر دوش هندوانه و میوه در دست به دنبال زندانیان روان هستند. در بین زندانیان چندین زن هم دیده می شوند که ممنوع الملاقات بودند. زندانیان میگویند آنها را به جرم داشتن اسلحه و قاچاق دستگیر کردهاند. در تمام مدت ملاقات زنان از پنجره اطفاشان سر به بیرون خم کرده و درب زندان را نگاه میکردند.

نظرهون را جنب می کنند. سر ماهه تحلیلی خوبی از "وحدت کلمه" و نپرداختنی به مسائل کوچک و مبارزه علیه ابر قدرتها به عنوان دشمن عمده دارد.

عصر کم کم نزدیک می شود و آفتاب از حرارت خود می گاهد و ما روی بالکن ایستادهایم و شهر را تماشا می کنیم. خانوادهها و دوستان زندانیان دوباره برای ملاقات آمدهاند. ما صدای رفقای خود و خانواده یکی از رفقای دستگیر شده را از دور می شنویم. ما ممنوع الملاقات هستیم. از صبح این را می دانستیم. ولی دلایل را نمی دانستیم.

در این هنگام برادر ناصر فرمانده سپاه پاسداران را که برای بازرسی بیرون آمده بود مشاهده می کنیم. فرصت را غنیمت شمرده سر صحبت را با او باز می کنیم. از گزارشهای دست نویس که گاهی مطالب تحریک آمیز در آن دیده می شود صحبت می کند. در جوابش می گوئیم که از سراسر ایران برای ما گزارشو خبر می رسد. ما با افراد مختلف مصاحبه می کنیم تا بتوانیم از زوایای مختلف به یک مسئله نگاه کرده و آنرا بررسی کنیم. نتیجه نهایی را به صورت اعلامیهها، یاد "رنجبر" و غیره چاپ می کنیم. ما مدافع رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی هستیم ولی به کمبودهای دولت، نا رضایتی آن، عدم قاطعیتش و غیره انتقاد داریم. برادر ناصر می گوید که رهبری انقلاب مبین خواست ملت است هر که از راه ملت جدا شود دیگر مورد تأیید ملت نیست. ما کور کورانه رهبری انقلاب را قبول نکرده ایم، بلکه با تعقل، صداقت و ایمان به اسلام به این نتیجه رسیده ایم.

برادر ناصر از ما می پرسد آیا ما گسیل

کردن، حق از بین بردن فقر و محرومیت و بی فرهنگی داده نمی شود. و این از بی اعتمادی عمومی دولت نسبت به مردم ناشی می شود. دولت باید به توده های همه ملیتها تکیه کند. انقلاب را به پیش برد و هر گونه تجزیه طلبی، توطئه و اخلال را با تکیه به مردم سرکوب کند.

ناشی از این بی اعتمادی است که آن وقت درهای زندانها بر روی توده های ملیتهای تحت ستم باز می شود. و آن وقت در شکافی که بین دولت و خلقها بوجود می آید توطئه گرانی مثل شیوخ و فئودالهای وابسته به بیگانگان، حزب دمکرات کردستان و غیره می خزند تا به زندگی انگلی خود ادامه داده و بر نا رضایتی های مردم، برای تجزیه بخشهایی از میهن عزیز ما سوار شوند.

برادر ناصر رفت و ساعتی بعد ما را آزاد کردند. بدون هیچ گونه تردیدی اگر می خواستند می توانستند برای ما اشکال تراشی بکنند و نه روزها بلکه حتی ماهها، ما را آنجا نگهدارند. ولی آنچه در حقیقت در این مدت کم تجربه کردیم، اعتماد آنان یعنی اسلام مبارز به سازمان ما، به کمونیستهای واقعی و خواست "اتحاد بزرگ ملی" است. آری می توان با تمام نیروهای ملی و انقلابی جامعه به ویژه اسلام مبارز متحد شد و مبارزه های بی امان را علیه امپریالیسم و کولگزاران داخلش به پیش برد.

آیت الله طالقانی

ایشان در بخش دیگری از خطبه دوم خود به نقشه های پلید ابر قدرتها برای تجزیه ایران اشاره کردند و اراده ای استوار مردم ما را برای مبارزه با این توطئه ها ابراز داشتند.

" ما این انقلاب را مفت به دست نیاوردیم که بازیچه یک مشت بازیگران بین المللی شویم. ۶۰ هزار از بهترین جوانان ما کشته شدند. حالا میخواهند اول کردستان را، بعد بلوچستان را ترک کنی، بعد خوزستان را ترک کنی و بعد تهران بماند و کویر لوت و یزد و کرمان "

نکته پراهمیت دیگر، اشاره ای مستقیم ایشان به توطئه های ابر قدرت روسیه در ایران به صورت "کشور بزرگ شمالی" بود. این گونه نشان دادن دشمن و افشاء کردن او از طرف رهبران سیاسی و مذهبی امری مثبت و پراهمیتی است و هوشیاری مردم ما را در قبال ابر قدرتها بالا برده و دشمنان آنها را به روشنی برایشان مشخص و معلوم میسازد.

پل هوایی شوروی برای سرکوب خلق کامبوج

" خمرهای سرخ " با استفاده از فصل باران به شدت حملات خود علیه نیروهای ویتنامی افزوده بودند.

از سوی دیگر بخش اعظمی از افسران رژیم تازه کامبوج از حضور " مستشاران " ویتنامی در بنوم پنه اظهار ناراضایتی کرده اند. فرستاده ویژه فرانس که با یک یک این افسران گفتگویی کرد گزارش می دهد نیمی از این افسران، از دادن پاسخ خودداری کرده اند. اما عده ای دیگر از این افسران از رفتار " مستشاران " هانوی ابراز ناراضایتی کرده اند. اما اکثریت افسران معتقدند که هنوز وقت جدائی و ناسازگاری با ویتنام نرسیده است و باید نه باز سازی کامبوج پرداخت.

داد تا فرا رسیدن فصل خشک " حملات دامنه داری را علیه نیروهای انقلابی " در ایالت های شمال غربی و تمامی خط مرزی خمر - تایلند آغاز کند.

فصل باران در ماه نوامبر به پایان می رسد و ناظران انتظار دارند که در این تاریخ دولت طرفدار ویتنام " هنگ سمرین " و همینطور نیروهای ویتنام در کامبوج حملات وسیعی را علیه خمرهای سرخ آغاز کنند.

محافل دیپلماتیک در بانکوک اعلام کردند که از اوائل ماه ژوئیه دولسگر، ۵ هنگ و یک تیپ زرهی ویتنامی وارد کامبوج شده اند. همین محافل می افزایند پیش از این تاریخ ۱۷۰۰۰۰ سرباز ویتنامی در کامبوج مستقر شده بودند.

خبرگزاری فرانسه - رادیوی " صدای کامبوج دموکراتیک " (متعلق به خمرهای سرخ) روز جمعه ۲ شهریور اعلام کرد اتحاد جماهیر شوروی یک پل هوایی برای حمل و نقل نیروهای ویتنامی به شمال غربی کامبوج ایجاد کرده است. این اقدام به منظور آمادگی برای از سر گرفته شدن جنگها در این منطقه صورت گرفته است.

این رادیو افزود روسها تعداد زیادی سرباز ویتنامی، اسلحه، مهمات و ابزار جنگی به دو شهر " با نام بانگ " و " سی ام ره آپ " انتقال داده اند. هر دوی این شهرهای منطقه شمال غربی کامبوج دارای فرودگاه هستند. این رادیو اضافه کرد این حمل و نقل ویتنامی ها اجازه خواهد

هفته نامه

رنجبر

ارکان مرکزی سازمان انقلابی

مدیر مسئول - علی حجت

سر دبیر - فرامرز وزیر

نشانی - تهران، خیابان مصدق

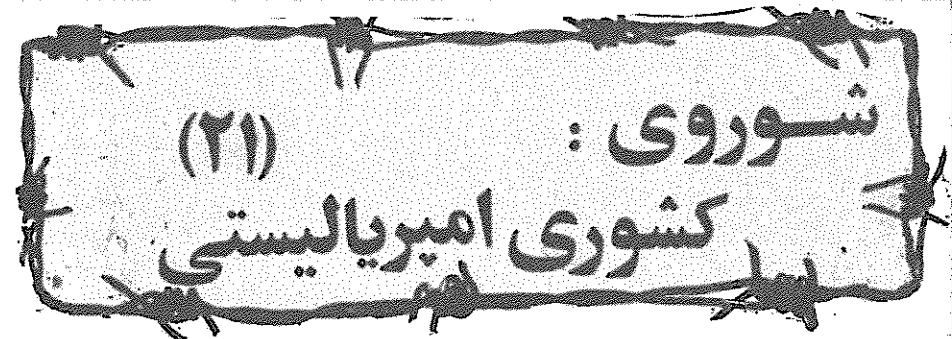
پاژین تر از امیر اکرم، کوی گودرز - شماره ۱۶

تلفن - ۶۶۰۵۱۹

نشانی پستی - تهران، مصدوق

پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

جای سکه



فساد

در کشور شوروی یعنی زادگاه اولین کشور سوسیالیستی جهان بیست و پنج سال بعد از مرگ استالین بعثت نابود شدن سوسیالیسم و احیاء سرمایه داری، فساد موج میزند. اختلاس، دزدی، جنایت، فحشاء، الکلیسم، اعتیاد به مواد مخدر و هر چیز دیگری که از صفات مشخصه کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی است در شوروی امروزی به نحو وحشتناکی رشد کرده و هنوز هم رو به افزایش است. بسیاری از مأمورین دولتی شوروی با سوء استفاده از مقامهای خود توانسته اند مبالغ هنگفتی از بیت المال ملت را به جیب زده و بسرعت ثروتمند شوند. این کار حالا دیگر بصورت سنتی درآمد و از مأمورین عالی رتبه و کادرهای مسئول سازمانهای مرکزی حزبی گرفته تا برخی از مسئولین شهروده هم مرتکب این عمل میشوند.

بعضی از این افراد خود رهبران باندهای سرقت و اختلاس اند و توانسته اند در مدت کوتاهی میلیونها شون، بعنوان مثال میتوان یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب رویزیونیستی شوروی را ذکر کرد که چندی پیش یک فقره اختلاس که نیم میلیون روبل بود کشف شد. یکی از مدیران کارخانه مواد نایلونی تغلیس مبلغ ۱/۱ میلیون روبل را بیکباره بچیب زده بود. ثروت رئیس شرکت توتون دولتی از میلیونها روبل تجاوز میکند. رئیس آژانس جهانگردی لنینگراد چندی پیش اجناسی به ارزش ۶۰ هزار روبل را از تعدادی جهانگرد خارجی بسرقت برده بود که کشف گردید. در جمهوری ارمنستان یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت پست و تلگراف مبلغ صدو بیست هزار روبل اختلاس کرده بود. رئیس و معاون هیئت اجراییه شورای منطقه خود مختار اوستیان جنوبی مواد نادر ساختمانی را به مبالغ بسیار زیادی فروخته و پول آنها را به حسابهای شخصی خودشان منتقل کرده بودند. از اینگونه دزدیها و سوء استفاده ها سالها است که در شوروی در همه جا دیده میشود. اما این تنها نوع دزدی و انحراف نیست. بازار سیاه و تجارت آزاد، بهشتی برای سودجویان و پول پرستان ایجاد کرده است. کار و بار دزدان و حقه بازان بازارهای مخفی و آشکار سکه است. در این بازارها انواع و اقسام اجناس از اجناس گران قیمت یا بنجل آمریکائی گرفته تا لباسهای کویاکی و پولهای خارجی و مواد مخدر خرید و فروش میشود.

بازارهای سیاه محل بسیار مناسبی برای خرید و فروش انواع ماشین آلات، جرثقیل، لوکوموتیوها، ژنراتورها و از این قبیل لوازم گردیده اند و بنابراین یک بازار بزرگ خرید و فروش ابزار تولید بوجود آمده. این مبادلات زمینه بسیار بهتری را برای سفته بازان و نوکیسه ها فراهم کرده و این دزدان اجتماع سرمایه داری را روز بروز پولدارتر میکند. مثلاً رئیس یک دفتر اداری در آذربایجان با مسئولین بنگاههای تولیدی زیر دستش همدست شده تجارت سیاه را به وسیعترین وجهی در منطقه خود برپا انداخته است. او با سکه های طلا، زیور آلات، با دلار آمریکائی و پوند انگلیسی در مسکو، تولا، لووف و شهرهای دیگر معامله گری و تجارت میکرد. در منزل او ۳۲ کیلو گرم طلا و جواهرات زیادی پیدا شد. او از طریق سفته بازی در حدود ۲۸۰ هزار روبل استفاده کرده بود. مدیر یک فروشگاه در مرکز مسکو با همدستان خود در حدود ۴۰ کیلو گرم طلا و بیش از دو میلیون روبل را چه بصورت نقد و چه بصورت اموال قیمتی بچیب زده و چپاول کردند. آنها ۲۲۰ هزار متر پارچه ابریشمی را به قیمتهای زیاد فروختند و با پول آن از طریق همدستانشان که در خارج بودند جنس خریداری کرده و مجدداً در بازار سیاه بفروش گذاشتند.

در بخشهای فرهنگی و آموزشی وضعیت از این هم بدتر است. کلاه برداری و تقلب و سوء استفاده بطور روز افزونی در همه قسمتها صورت میگیرد. با وسعت شدن اختلاف میان سطح زندگی طبقات مختلف جامعه شوروی تضادهای طبقاتی هم روز بروز شدت میگیرند و همین دامنه فساد را ولعت میدهد. سوء استفاده از قدرت، رشوه، اخاذی و سرقت در این بخش نیز بشدت وجود دارد. برای بسیاری از مردم جعل و خرید مدارک علمی و یا دیپلم های دبیرستان یا مدارس حرفه ای بمنظور بدست آوردن لقب و رتبه برای ثروتمند شدن یا

داریوش فروهر - دعوتی راستین

هفته گذشته آقای داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران و وزیر کار و امور اجتماعی، در تجمعی از کارکنان صنعت نفت شرکت کرده و در ضمن سخنرانی خویش در مورد انقلاب ایران، در مورد مسئله کردستان سخنانی ایراد کردند که به نظر ما به خاطر شناختن حقوق ملی خلق کردان سوسیوپافشاری برای راه حل سیاسی و مسالمت آمیز مسئله از سوی دیگر اصولی بوده و دارای اهمیت سیاسی است.

ما در اینجا بخشی از سخنان ایشان را در مورد مسئله کردستان به نقل از هفته نامه "اتحاد بزرگ" (۵۸/۶/۸) درج میکنیم -

" مردم کردستان مانند سایر مردم ایران سالیان دراز زیر بار ستم به سر برده بودند و خواستهائی برای پایان دادن به ستم آن سالیان دراز داشتند. به گمان من بقیه در صفحه ۵

سهمینار ملی داروسازی

پنجم شهریور ماه، سالروز تولد دانشمند شیمی دان و دارو ساز ایرانی محمد زکریای رازی و روز داروسازی در ایران است. به همین مناسبت امسال سمیناری از طرف دارو سازان کشور در تالار ابن سینای دانشگاه تهران با حضور آقای دکتر سامی وزیر بهداشتی و بهزیستی تشکیل گردید.

در این سمینار مسائل و مشکلات کشور در زمینه تولید و توزیع دارو و برخی از اصول کلی راه حل های آن مطرح گردید. صرف نظر از مسائل خاص صنعتی، تکنیکی و یا علمی مربوط به دارو سازی، جای بسی خوشنودی است که در این سمینار به اهداف ملی و مردمی و هم چنین نیازهای توده های محروم که طی سالها به دست فراموشی سپرده شده بود، توجه شد.

نکات مهم نظریات سمینار در این زمینه به طور خلاصه به شرح زیر است:

* اهداف تندرستی ملی در مسیر توسعه خدمات درمانی و داروئی با دادن اولویت به روستاها و طبقات محروم و همچنین دادن اولویت به بهداشت و پیشگیری، مورد تأیید قرار گرفت. بقیه در صفحه ۲

در مورد تدریس غیر مسلمانان

در هفته گذشته خبری در مطبوعات انعکاس یافت مبنی بر اینکه مدیر کل آموزش

مصاحبه با رضا پرتوی توطئه های دو ابر قدرت در کردستان

با رضا پرتوی (یکی از هواداران سازمان انقلابی) که در جریان اشغال مرکز سازمان در سنندج دستگیر شده و چند روز زندانی بود، مصاحبه ای داشتیم که آنرا از نظر خوانندگان رنجبر می گذرانیم .

س- اوضاع کردستان را چگونه می بینی ؟

ج- پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این انقلاب با بسیاری معضلات اجتماعی رو برو بود که هیچکدام زائیده دولت جمهوری اسلامی نبودند، بلکه تماماً ناشی از سیستم فاشیستی وحشیانه و ورشکسته پهلوی بوده اند، مانند بیگاری، تورم و از جمله مسئله ستم ملی به خلقهای ایران. بنظر من این معضلات که ناشی از حاکمیت امپریالیسم و سلطنت وابسته پهلوی بود، میبایست با اشتراک ماسعی و فعالیت همگانی کلیه نیروهای انقلابی و مردم و از طریق مسالمت آمیز و ارشادی حل و فصل میشد، که متأسفانه چنین نشد و در اکثر موارد به برخوردهای خصومت بار و قهر آمیز و حتی مسلحانه کشیده شده است.

کردستان یکی از این نقاط است. زمینه اصلی درگیری های کردستان ستم های گوناگونی است که طی نیم قرن رژیم گذشته بر این منطقه و مردمش اعمال شده است. دزد کردستان نیز مثل اغلب مناطق ملیتها و اقوام و عشایر، اختلافات شدید ملی و قومی و طبقاتی موجود بوده است که در رژیم گذشته به زور دیکتاتوری سرنیزه و ساواک این مناطق و مردمش را آرام نگه داشته بودند. بنابراین نه تنها کردستان بلکه اکثر این مناطق و مردم پس از پیروزی بر رژیم پهلوی و در هم شکسته شدن قدرت نظامی آن، آماده برخاستن و تشنه کسب حقوق پایمال شده شان بودند.

در چنین زمین شخم زده و آماده ای رشد هر گونه انحراف سیاسی و خط مشی نادرست و از آن بدتر حتی موثر واقع شدن توطئه های دشمنان انقلاب، ممکن و میسر است. و از این روست که هم منحرفین و هم دشمنان یکی از نقاط تمرکز نیروی خود را در کردستان انتخاب کرده اند.

س- بنظر شما در وقایع کردستان منحرفین کیستند و دشمنان کدام اند و چه فرقی میان آنان است ؟

ج- از نظر کلی کردستان نیز مانند سایر نقاط ایران مثلاً " تهران است. ما در همه جا با کسانی روبرو هستیم که بعثت خطای سیاسی و انحراف در تحلیل از اوضاع سیاسی مملکت و خصالت نیروها و در نتیجه اتخاذ یک خط مشی نادرست به جریانات ناسالم و زیان آور کشانده میشوند، در عین حال عناصر و نیروهای نیز موجودند که آگاهانه و طبق یک نقشه حساب شده حادثه آفرینی می کنند تا به

دهقانان از اربابها و فئودالها. لازم بتذکر است که در همه جا چه کردستان و چه خوزستان و چه تهران افراد نیروهای که دارای چنین انحرافی در خط مشی و ارزیابی سیاسی هستند، همواره آلت دست دشمنان انقلاب قرار میگیرند. زیرا دشمنان انقلاب ایران که عبارتند از بقایای رژیم گذشته و طبقات سرنگون شده، امپریالیستها و صهیونیسم و عمال آنان همه تلاش دارند تا از تثبیت جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کنند.

بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و صهیونیستهای اسرائیلی چنین کوششی را انجام میدهند. زیرا هر چه دولت ایران ضعیف تر و نیمه جان تر باشد، آنها بهتر میتوانند از نظر اقتصادی و سیاسی در ایران نفوذ کرده و به نفع خود جریان ناسالم راه بیندازند. بدین دلیل دشمنان انقلاب ایران بویژه آمریکا و شوروی، از هر کوشش که به تضعیف دولت بیانجامد، آشکار و پنهان حمایت می کنند، آنرا دامن زده و تشویق می نمایند و تلاش می کنند این برخوردها را سریعاً " به اختلافات آشتی ناپذیر و درگیری های مسلحانه رشد دهند. در کردستان نیز وضع چنین به پیش رفته است.

س- صف بندی ها در کردستان چطور است و برنامه هر کدام چیست ؟

ج- در کردستان در میان مخالفین دو نوع صف بندی وجود دارد. یکی افراد و نیروهای "چپ" رو هستند که اساساً ارزیابی نادرستی از دولت جمهوری اسلامی ایران و اصول مسئله ملی در ایران و راه حل آن دارند، بنابراین آمادگی درگیر شدن در جریانات ناسالم در آنها زیاد است. دومی نیروهای وابسته و مزدور به ابر قدرتها و بیگانگان هستند که آگاهانه برای تخریب و ایجاد شورش و حادثه نقشه میزنند.

این نیروها عبارتند از وابستگان به رژیم بعثی عراق، پالیزیان و برخی سران مرتجع عشا یر ما نند سردار جاف و بعضی از رهبران حزب دمکرات کردستان.

جناحهای پالیزیان و جاف و امثالهم بطور عمده از طریق اسرائیل و شاه حمایت میشوند، هدف آنها ایجاد اغتشاش، تضعیف دولت، رشد ناراضگی مردم و بهره برداری از آن برای برگشت رژیم سابق به صحنه است. رژیم عراق در چار چوب اختلافات با دولت ایران و به خاطر ایجاد فشار بر دولت تحریکاتی انجام میدهد. حزب دمکرات کردستان جزئی از یک برنامه حساب شده شورویهاست، هدف شورویها تسلط بر منطقه و نشستن بر جای امپریالیسم آمریکاست. در این برنامه ایجاد دیک کردستان با صلح واحد و مستقل و سوسیالیستی که البته وابسته به

صبح رسانی صیحات محنت جامعه شوروی صادقی طبیعتی هم روز بروز شدت میگیرند و همین دامنه فساد را ولعت میدهد. سوءاستفاده از قدرت، رشوه، اخاذی و سرقت در این بخش نیز بشدت وجود دارد. برای بسیاری از مردم جعل و خریدمدارک علمی و یا دیپلم‌های دبیرستان یا مدارس حرفه‌ای بمنظور بدست آوردن لقب و رتبه برای ثروتمند شدن یا خودنمایی امری طبیعی شده است. دیپلم‌های تقلبی " دانشمندان " و " دکترای علوم " بوسیله پاندهای وسیع جعل اسناد بسرعت تولید میشوند. مقاطعه کارها انستیتوهای را بوجود آورده‌اند که تنها هدفشان تولید و عرضه دیپلم‌های تقلبی است. مجله لیترا تور - بقیه در صفحه ۷



عبر مسلمانان

در هفته گذشته خبری در مطبوعات انعکاس یافت مبنی بر اینکه مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس در سخنرانی خود قبل از تمار جمعه گفت از این پس در مدارس استان فارس اجازه تدریس به معلمان غیر مسلمان داده نخواهد شد. او در دنباله این حرف گفت که مردم باید معلمان ضد انقلاب و غیر مسلمان را به آموزش و پرورش معرفی کنند تا از کار آنان جلوگیری شود.

این گفته نمونه‌ایست از یک طرز تفکر منحط که حاصل آن جز ضربه زدن به دستاوردهای انقلاب نخواهد بود. گوینده چنین سخنانی، اگر واقعا " اشتباه نکرده و پافشاری بر این ادعای خود دارد، اصولاً درک درستی از انقلاب و دوست و دشمن خلق ندارد و آگاهانه یا نا آگاهانه در مسیر انقلاب نیست. البته گوینده این سخنان اگر اشتباه کرده حق دارد توضیح دهد و با انتقاد از خود و تصحیح نظراتش در مسیری ملی و مردمی قرار گیرد.

خوشبختانه مقامات مسئول آموزش و پرورش و بسیاری دیگر در مطبوعات، بلافاصله نظرات بیان شده توسط مدیر کل آموزش و بقیه در صفحه ۴

مشي نادرست به جریانات نا سالم و زیان آور کشانده میشوند، در عین حال عناصر و نیروهای نیز موجودند که آگاهانه و طبق یک نقشه حساب شده حادثه آفرینی می‌کنند تا به نارضایتی‌ها دامن زنند، دو دستی و چند دستی بیافرینند و به نفع رژیم گذشته و یا اربابان بیگانه خود از آب گل آلود ماهی بگیرند.

از فردای پیروزی انقلاب اسلامی ایران ما شاهد آن بودیم که در برخی از جناح‌های باصطلاح مکررات و در بعضی نیروهای باصطلاح " چپ "، ارزیابی نادرستی از مضمون و خصلت‌های انقلاب و دولت موقت و موقعیت و خاستگاه طبقاتی آن بوجود آمد. بر اساس این ارزیابی غلط، آنها دولت را سازش کار با امپریالیسم آمریکا و پایگاه آنرا سرمایه‌داری وابسته دانسته و لذا در برخورد به آن موضع آشتی ناپذیر، و شیوه افشاء را در پیش گرفتند. هدف از اینکار باصطلاح آگاه ساختن توده‌ها و برانگیختن آنان علیه دولت جمهوری اسلامی بود.

در کردستان هم وضع همینطور بود اگر در فلان کارخانه تهران این افراد از بیکاری برای برانگیختن کارگران علیه دولت استفاده میکردند، در کردستان از مسئله ملی و ستم و عقب ماندگی موجود و احیاناً از نارضایتی

شورویهاست. هدف شورویها تسلط بر منطقه و نشستن بر جای امپریالیسم آمریکاست. در این برنامه ایجاد یک کردستان باصطلاح واحد و مستقل و سوسیالیستی که البته وابسته به شوروی باشد و بدست آنها ایجاد شود، در برنامه کار روسها قرار گرفته است. در عین حال تشدید اوضاع در کردستان باعث درگیر شدن و تضعیف چهار دولت ترکیه - عراق - ایران و سوریه میگردد، که آنها هم از نظر حرکت عمومی شوروی در منطقه بنفع آنهاست. علاوه بر این وخامت اوضاع کردستان وحادثه آفرینی در آن باعث میگردد که توجه کشورهای اسلامی در منطقه و بویژه جمهوری اسلامی ایران از مبارزه مسلمانان و انقلابیون افغانستان گرفته شده و به مسائل داخلی خویش معطوف شود. امکانات آنان در کمک به انقلاب افغانستان کاسته شده و در نتیجه شورویها سریعتر و وسیعتر بتوانند مردم را در افغانستان سرکوب کرده و به پیشروی خود به سوی ساحل شمالی بحر عمان از طریق بلوچستان ادامه دهند. شورویها با شدت تمام این برنامه را دنبال می‌کنند و از کلیه عواملی که بنفع آنها موثر واقع شوند و از کلیه عمال و کارگزاران خود کمال استفاده را می‌نمایند.

در وقایع اخیر کردستان عمده ترین بقیه در صفحه ۲

نمایشگاه قطعات موتور سیکلت گامی در جهت استقلال اقتصادی

از روز شنبه این هفته نمایشگاهی از قطعات و وسایل موتور سیکلت از طرف وزارت صنایع و معادن ایران در محل این وزارتخانه واقع در میدان ارک برگزار شده است.

برگزاری این نمایشگاه گامی دیگر در ادامه طرح وزارت صنایع و معادن در مورد برگزاری نمایشگاههای مختلف از قطعات ساخته شده در خارج است و هدف آن به گفته یکی از مسئولین، تشویق صاحبان صنایع ایران برای ساختن این قطعات در داخل کشور، تشویق کارگران صنعتی جهت کوشش بیشتر برای تولید مرغوب و نیز تشویق مردم جهت استفاده از محصولات صنایع داخلی و در نتیجه مبارزه با وابستگی اقتصادی و بدست آوردن استقلال صنایع ملی می‌باشد.

وی سپس اضافه کرد که متأسفانه هنوز دولت قادر نیست که در این شرایط به صاحبان صنایع وام بدهد، لیکن دولت قادر خواهد بود با ایجاد جو مساعد و شرایط خوب، بتدریج از ورود محصولات صنایع خارجی به ایران جلوگیری کند.

در محوطه نمایشگاه، نیز شعارهایی به چشم می‌خورد که چند شعار آن چنین بود:

- ریشه‌های وابستگی سیاسی به خارج را با استقلال اقتصادی قطع کنیم.
- مگر چه چیزمان از خارجی‌ها کمتر است، جنس ایرانی مرغوب بسازیم.
- صنایع مونتاژ را به صنایع مستقل تبدیل کنیم.
- درود بر صنعتگران ایرانی که برای استقلال صنایع میهن تلاش می‌کنند.
- حمایت از صنایع مستقل، خط مشی دولت جمهوری اسلامی است.
- هر چه مصرف می‌کنیم خودمان بسازیم.
- اجناس خارجی با پول نفت تهیه می‌گردد، اگر احتیاج واقعی نداری، مصرف نکن.
- همه با هم، همه با هم، پیش‌بوسی استقلال صنایع ایران.
- تا صنعتگران ایرانی از جانب همه ملت حمایت نشوند، استقلال صنایع محال است، با خرید اجناس داخلی در این امر بکوشیم.

یادداشت‌هایی از زندان خرمشهر

آنچه در زیر می‌آید گزارش یکی از هوا داران سازمان انقلابی است که به مدت ۲۴ ساعت باز داشت و در زندان پاسداران خرمشهر به سر برد. گزارشی که حاوی نکات پس آموزنده‌ای از اوضاع جنوب و مردم آنجاست.

روز پنجشنبه هشتم مرداد ماه ۵۸ حدود ساعت ۱۱ شب هنگامی که از آبادان به طرف خرمشهر می‌رفتیم توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به دنبال اسلحه ماشین ما را بازرسی می‌کردند، متوقف شدیم. پاسداران پس از مشاهده چند اعلامیه سازمان درماشین ما را جلب نموده و به زندان پاسداران انقلاب اسلامی بردند. این اتفاق امکان این را به دست داد تا از نزدیک با سپاه پاسداران و زندانیان آشنا شویم.

زندان در حقیقت دبیرستان بازرگانی الفتح خرمشهر است. ما را اول به دفتر زندان می‌برند. پاسداران کنجکاوانه اعلامیه‌ها را می‌خوانند. سپس معاون زندان و سر پاسداری که دستور جلب ما را داده بود، ما را همراه اعلامیه‌ها به دفتر باز پرس می‌برد. در راه با اشاره به اعلامیه‌ها که محتوی آنها در دفاع

از دولت ملی است به جلب خود اعتراض می‌کنیم. معاون زندان می‌گوید تحقیق روشن خواهد کرد که شما مقصر هستید یا خیر و گرنه اعلامیه‌های در دفاع از دولت و رهبر انقلاب دلیل بر بی گناهی شما نیست. در دفتر باز پرس با باز پرس می‌کنیم که مشغول باز جوئی از یک زندانی است آشنا می‌شویم.

باز پرس خوشبختانه سازمان انقلابی وارگان مرکزی آن "رنجبر" را می‌شناسد و آگاهی نسبتاً خوبی در مورد گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی دارد. معاون زندان و سر پاسدار مشغول مطالعه اعلامیه‌ها می‌شوند.

ما سعی می‌کنیم که با شناساندن مواضع سازمان به پاسداران و تحلیل از جنبش اسلامی و خصلت ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی آن علل دفاع سازمان از انقلاب اسلامی را توضیح داده و نشان دهیم که گر چه مدارای ایدئولوژی کمونیستی هستیم ولی مدافع انقلاب و سرباز آن می‌باشیم.

بقیه اسناد و مدارک و گزارش‌هایی که در ماشین است توسط پاسداران به برادر ناصر (فرمانده محلی سپاه) تحویل می‌گردد. او شروع به مطالعه اسناد کرده و بعد از نگاه

سریع به تمام اسناد و اعلامیه‌ها و گزارش‌های دست نویس دستور تحقیق و بررسی متن آنها را می‌دهد.

ما را از دفتر باز جوئی بیرون می‌آورند تا ترتیب اسکان دادن ما را بدهند. در راه با معاون زندان شروع به صحبت می‌کنیم. جوانی است که از صحبت‌های معلوم می‌شود دانشجو بوده و با نیروهای چپ در دانشگاه بحث‌های مفصلی داشته است. او معتقد است که شما هر چقدر صادق باشید بالاخره روزی مجبورید به نفی ایدئولوژی اسلامی و هوا داران آن بپردازید. و بالاخره در نهایت تقابل این دو ایدئو لوژی و هوا دارنش اجتناب ناپذیر است. و ما تلاش می‌کنیم ثابت کنیم که رمز پیروزی انقلاب اسلامی به قول امام خمینی " وحدت کلمه " در برابر دشمن بوده است. این وحدت کلمه یک مضمون سیاسی داشت. یعنی تمام نیروهای که مومن به مبارزه علیه رژیم شاه امپریالیسم به ویژه دو ابر قدرت بودند با هر نوع ایدئولوژی بر سر سر نکونسی رژیم شاه به وحدت کلمه رسیدند، و این را در عمل پیاده

بقیه در صفحه ۷